

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر سورہ

زمر

محسن قرائتی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ»

همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می‌کند.

قرآن کریم از آغاز نزول تا به امروز، همواره مورد توجه اندیشمندان، زبدگان و متفکران بوده است واز زوایای گوناگون به تدبیر و تأمل در آن پرداخته واز این رهگذر آثار گرانقدری از خود به یادگار گذارده‌اند.

در طول تاریخ بیشترین شرح و تفسیر بر قرآن مجید نوشته شده است و این کتاب، تنها کتاب آسمانی است که بی‌هیچ نقصان وزیادتی در زمین باقی مانده است. آیاتش مانند ستارگان آسمان، اهل زمین را به صراط مستقیم راهنمایی می‌کند و در لابلای آیات نورانی آن، آئین‌نامه‌ی زندگانی مسلمانان گنجانده شده است و برای دستیابی به اعماق ژرف آن باید آیات آن را بگونه‌ای تبیین کرد که برای همگان قابل فهم باشد. بی‌دلیل نیست که از زبان اندیشمندان بزرگی همچون علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان به ضرورت نگارش تفسیری نو از قرآن در هر چند سال یکبار، تأکید شده است که این اعتراف، نشان از غنای مفاهیم قرآن کریم و عظمت معانی آن دارد.

گرچه مسأله تفسیر در جامعه ما رونق مطلوب را پیدا نکرده اما در سالهای اخیر، فعالیت‌های چشمگیری در زمینه ترویج فرهنگ قرآن و مهبجوریت‌زدایی از آن صورت گرفته است.

از توفیق بزرگ خدمتگزاری به ساحت قرآن کریم، شمه‌ای نیز به لطف و منت الهی، نصیب ستاد تفسیر قرآن کریم شده است که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۱- تشکیل جلسات و کلاسهای تفسیر قرآن.

۲- تشکیل دوره‌های کارورزی و جلسات توجیهی برای

فارغ التحصیلان حوزه‌های علمیه.

۳- طراح و اجرای مسابقات تفسیری در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مدارس، به همراه جوایزی ارزنده.

۴- اجرای مسابقات مقاله‌نویسی در موضوعات قرآنی.

۵- اجرای مسابقات سراسری تفسیر سوره‌های حجرات، قصص، اسراء، لقمان، عنکبوت، یوسف، یس و فرقان.

جمع‌آوری نظرات به ما نشان داد که یکی از راه‌های انس با تفسیر، همین استفاده از تعطیلات تابستان و بهار قرآن، ماه رمضان است که البته با عرضه‌ی کتاب مختصر، روان، ارزان و زیبا همراه باشد.

ستاد تفسیر قرآن کریم با همکاری مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تفسیر سوره زمر را که یکی از آثار ارزشمند حجة الاسلام محسن قرائتی می‌باشد، به تمام علاقمندان عرضه می‌نماید، البته به منظور توسعه هرچه بیشتر کار، متن این کتاب بدون هیچ محدودیتی در اختیار مراکز فرهنگی قرار می‌گیرد تا به هر شکلی مایلند آن را نشر دهند.

لذا به منظور نشر و گسترش فرهنگ نورانی قرآن کریم این ستاد مسابقه سراسری تفسیر سوره زمر را در تابستان و رمضان سالجاری برگزار می‌نماید.

شایان ذکر است پرسشنامه و پاسخنامه مسابقه مزبور در پایان همین کتاب به چاپ رسیده است، علاقمندان به شرکت در مسابقه بایستی علاوه بر سؤالات تستی، به دو سؤال تشریحی نیز پاسخ دهند.

در پایان از خوانندگان عزیز تقاضا داریم چنانکه در زمینه‌ی برگزاری مسابقات تفسیر قرآن ویا مطالب این کتاب، پیشنهاد و انتقادی دارند، ما را از نظرات خود مطلع سازند. نشانی: تهران - میدان فلسطین ستاد مرکزی اقامه نماز - ستاد تفسیر قرآن کریم ۸۹۲۲۳۲۳ - ۰۲۱

ستاد تفسیر قرآن کریم



### مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و

اهل بيته الطاهرين

در زمانی زندگی می‌کنیم که انواع تبلیغات، توطئه‌ها و انحرافات، فطرت، عقل و دین انسان‌ها را مورد تهاجم قرار داده است.

جای تردید نیست که هرچه تاریکی بیشتر شود به نور بیشتری نیاز داریم و هرچه امواج خطرناک‌تر شوند، کشتی مطمئن‌تری لازم است.

قرآن، نور الهی و پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام کشتی نجاتند، ولی بهره‌گیری از این دو سرچشمه‌ی زلال، نیاز به شناخت و ایمان دارد.

لذا باید به سراغ قرآن برویم، اما نه در حد تلاوت و تجوید، بلکه در حد تدبیر و تفسیر و بالاتر از آن در حد عمل و تبلیغ.

گاه با خود می‌گویم:

ای کاش، در مساجد ما پس از ادای نماز، پنج دقیقه‌ای یک آیه‌ی قرآن تفسیر می‌شد.

ای کاش، در نشریات و روزنامه‌های ما یک ستون کوتاه برای



### سیمای سوره‌ی زمر

این سوره هفتاد و پنج آیه دارد و در مکه نازل شده است و همچون دیگر سوره‌های مکی، بیشتر مطالب آن در مورد خدا و قیامت است.

«زُمر» به معنای گروه و جماعت است و نام‌گذاری این سوره به دلیل آیات ۷۱ و ۷۳ است که در آن می‌خوانیم: «دوزخیان و بهشتیان به صورت گروه‌گروه وارد دوزخ یا بهشت می‌شوند.»

یکتایی خداوند در آفرینش و تدبیر و تربیت کردن او، عبادت و به خصوص اخلاص در عبادت و بندگی، بیش از همه در این سوره مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

حضور مردم در دادگاه قیامت و داوری خداوند بر اساس پرونده اعمال و گواهی شاهدان و سوق دادن گنهکاران به دوزخ و پاکان به بهشت، از مطالبی است که به تفصیل در این سوره آمده است.

مفاهیم قرآنی باز می‌شد.

ای کاش، فارغ‌التحصیلان ما توان تلاوت صحیح قرآن و آشنایی با معارف آن را داشتند.

ای کاش، محتوای منابر و برنامه مراکز تبلیغی ما، بر محور قرآن و حدیث بود.

ای کاش، برای هر سنّ و صنفی، آیات مخصوص آنان تفسیر و در اختیارشان قرار می‌گرفت.

ای کاش، در کنار مسابقات حفظ و تلاوت، مسابقات تفسیر رونق بیشتری می‌یافت.

و ای کاش،...

به هر حال توفیق الهی شامل شد و در طول چند سال گذشته، تفسیر قرآن کریم در برنامه آینه وحی رادیو گفته شد که پس از تکمیل و اصلاح و بازبینی، به نام تفسیر نور چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

بعضی سوره‌های قرآن با هدف گسترش فرهنگ مطالعاتی تفسیر قرآن، به صورت جداگانه و در قطعی کوچک به چاپ رسید تا همگان بتوانند در هر مکانی آن را به همراه داشته و مطالعه نمایند.

در این راستا و با توجه به استقبال کم‌نظیر اقشار مختلف مردم مخصوصاً جوانان، تفسیر سوره زمر، تهیه و در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است که تقاضا داریم ضمن مطالعه دقیق، ما را از نقطه نظرات خود آگاه سازید.

محسن قرائتی

۵- انسان با گفتن «بسم الله»، خود و کار خود را بیمه می‌کند و به قدرت بی‌نهایت متصل می‌شود.

□ کلمه‌ی «رحمان» مخصوص خداست، ولی کلمه‌ی «رحیم» را در مورد غیر خدا نیز می‌گویند. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رحمان صفت عام خداوند است و شامل مؤمن و کافر می‌شود، ولی رحیم وصف خاص خداوند است و تنها شامل مؤمنان می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ  
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

نزول (تدریجی) کتاب (قرآن) از جانب خداوند عزیز حکیم است.  
همانا ما این کتاب را به حقّ بر تو نازل کردیم، پس خدا را در  
حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای عبادت کن.

#### نکته‌ها:

□ «تَنْزِيلُ» به معنای نزول تدریجی و «انزال» به معنای نزول دفعی و یک جا و یک باره است. در این آیات به هر دو نوع نزول در مورد قرآن اشاره شده است. توضیح آنکه، تمام قرآن یک بار در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ و یک بار به طور تدریجی در مدّت ۲۳ سال و به مناسبت‌های مختلف. گاهی در قالب یک آیه و گاهی در قالب چند آیه نازل شده است. مثل اینکه: مسافری گاهی یک چمدان سوغاتش را یک جاتحویل بستگان می‌دهد و یک بار ساک را باز کرده و سوغاتی‌ها را بین بستگان و دوستان تقسیم می‌کند.

□ «عُزْتُ» به معنای نفوذناپذیری است. عرب به زمینی که بیل و کلنگ در آن فرو نمی‌رود، «عزاز» می‌گوید، یعنی این زمین نفوذناپذیر است. به دست چرب که آب را پس می‌زند، می‌گویند: «دست عزیز»، یعنی آب در آن نفوذ نمی‌کند. خدا و رسول و

۱. تفسیر مجمع البیان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

#### نکته‌ها:

□ «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی به نام خداوندی که هم به همه می‌بخشد و هم برای همیشه می‌بخشد. آری، غیر خدا یا ندارد و نمی‌تواند ببخشد و یا به بعضی و برای مدّت کمی می‌بخشد و یا بخشش آن بر اساس مهر و محبت نیست؛ بلکه اگر چیزی به کسی می‌دهد، در انتظار دریافت چیز بهتری است. مثلاً به گاو علف می‌دهد برای منفعت بردن از شیر یا گوشت یا کار کردن، به مرغ دانه می‌دهد، برای گوشت یا تخم مرغ، وقت خود را صرف تولید کالایی می‌کند برای فروش محصولات خود؛ اما خداوند هم به همه، هم برای همیشه می‌بخشد و هم بخشش او برای دریافت چیزی نیست.

□ «بسم الله» و نام بردن اسم خداوند، قبل از اسلام نیز سابقه داشته است، چنانکه در قرآن می‌خوانیم که حضرت نوح و سلیمان علیه السلام نیز «بسم الله» گفته‌اند. □ حرف «باء» در «بسم الله» به معنی استعانت و کمک گرفتن از او با بردن نام اوست. کسی یاد خدا می‌کند که:

- ۱- خدا را شناخته و به او ایمان دارد و او را بخشنده و مهربان می‌داند.
- ۲- در خود احساس نیاز، پناهندگی، کمک‌خواهی، استمداد و آرامش می‌کند.
- ۳- کسی نام او را می‌برد که به او عشق می‌ورزد و استمداد از او را سبب نجات و توفیق خود می‌داند.
- ۴- کسی نام خدا را می‌برد که از مخالفان خدا، طاغوت‌ها و بت‌ها متنفر شده و تنه‌ها به خدا توکل می‌کند و به او امید دارد.

مؤمن عزیز است، یعنی هیچ چیز نمی‌تواند آنان را متاثر و متزلزل کند. □ واژه‌ی «عزّت» ۸۸ بار در قرآن آمده که ۴۶ مرتبه آن در کنار حکمت است. ﴿العزیز الحکیم﴾ آری، عزیز واقعی تنها اوست؛ زیرا عزّت زمانی دائمی است که همراه با حکمت باشد. خداوند خالق و مقتدر است، غیب و شهود را می‌داند و قبض و بسط رزق به دست اوست.

در حدیث می‌خوانیم: «هر کس عزّت دنیا و آخرت را می‌خواهد، مطیع خدای عزیز باشد.»، «فن اراد عزّ الدّارين فليطع العزیز»<sup>(۱)</sup> □ تکرار کلمه‌ی «کتاب» در دو آیه پی‌درپی، رمز آن است که راه عزّت فرد و جامعه اتصال به خدای عزیز و مکتب حق است و اطاعت از هر کس به جز خدا و پیروی از هر دینی جز مکتب وحی، آغاز یا فرجامی ذلّت بار خواهد داشت. غیر از خدای عزیز همه محدود و فانی هستند و به جز مکتب وحی، همه مکاتب یا محدود نگردند یا خرافی یا سخت‌گیرند یا غیر فطری. آری، مکتب دست ساخت انسان وابسته و محدود، نمی‌تواند جامعه‌ای عزیز بسازد، لذا در آیه سوم می‌فرماید: «دین خالص مخصوص خداست.»

□ گرچه خطاب عبادت خالصانه انجام دادن متوجّه پیامبر است، ولی در حقیقت، این خطاب همه‌ی مردم را شامل می‌شود.

□ «دین» در لغت به معنای جزا، آیین، ملت، عبادت و اطاعت بکار می‌رود،<sup>(۲)</sup> ولی در اینجا به معنای عبادت است، زیرا سخن از عبادت است. ﴿فاعبد الله مخلصاً له الدین﴾

## نگاهی به دین

گرچه دین در آیه‌ی ۲ به معنای عبادت است؛ لیکن مناسب است چند کلمه‌ای درباره‌ی دین بیان کنیم که عبادت هم جزئی از آن است.

دین به معنای راه و روش است. راه حق یا باطل. قرآن به بت پرستان می‌گوید:

﴿لکم دینکم و لی دین﴾<sup>(۱)</sup>، دین شما برای خودتان و دین من هم برای خودم. بنابراین، راه و روش و آداب و رسوم هر کس، دین اوست. آنچه مهم است، شناخت راه حق و پیروی از آن است.

دین حق، دینی است که با عقل سازگار باشد. بت پرستان مجسمه‌هایی را از سنگ و چوب می‌تراشیدند و در برابر دست ساخته‌ی خودشان، عبادت می‌کردند. قرآن می‌فرماید: این کار شما خلاف عقل است، ﴿أتعبدون ما تحتون﴾<sup>(۲)</sup>، آیا چیزی را می‌پرستید که خود ساخته‌اید؟

بت پرستان در توجیه کار خود می‌گفتند: ﴿إنا وجدنا آباءنا﴾<sup>(۳)</sup> ما نیاکان خود را بت پرست یافته‌ایم.

## راه حق کدام است؟

معمولاً لوازم خانگی مانند یخچال و ماشین لباسشویی، یک دفترچه راهنما دارد که روش استفاده از آن را بیان می‌کند. انسان آفریده خداست و نیاز به دفترچه راهنما دارد و خداوند آن را به صورت کتاب فرستاده است. همان گونه که دفترچه راهنما را کسی می‌نویسد که آن محصول را ساخته است، برنامه زندگی ما را هم باید خدایی بدهد که ما را خلق کرده، از نیازهای ما آگاه است و توانایی رفع و دفع مشکلات ما را دارد.

دین حق آن است که برای تمام نیازهای روحی و معنوی، جسمی و مادی انسان، برنامه داشته باشد.

دین حق، دینی است که عمل به آن مایه‌ی رشد و سبب تکامل انسان باشد. گذشت زمان آن را کهنه‌ن سازد و دستوراتش همیشه تازه و جذاب باشد. امام حسین در روز عاشورا فرمود: «هیهای منّا الذّلة»، هرگز زیر بار ذلّت نمی‌روم. این شعار در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها و برای همه انسان‌ها زیبایی دارد. تشکر از خدا با نماز، یادگر سنگان باروزه، دفاع از مال و جان و دین با جهاد، کمک

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. قاموس المحيط.

۱. کافرون، ۶. ۲. صافات، ۹۵. ۳. زخرف، ۲۲ و ۲۳.

به محرومان با خمس و زکات، دعوت مردم به نیکی‌ها و دور کردن دیگران از آلودگی‌ها و زشتی‌ها با امر به معروف و نهی از منکر، و سفارش به نظافت با وضو و غسل و گرفتن ناخن و آراستن سرو صورت و سفارش به ادب و سلام کردن و احترام به پدر و مادر و بستگان و معلمان و وفای به عهد، هیچگاه کهنه نمی‌شود و هم‌چون خورشید در آسمان دین می‌درخشد و به همه انرژی معنوی می‌دهد.

اما کسانی که از برنام‌های دینی بهره‌ نمی‌گیرند، یا به سلیقه‌ی خود عمل می‌کنند که دیر یا زود پشیمان می‌شوند، یا به قوانین بشری تکیه می‌کنند که برخاسته از فکر کسانی است که تحت نفوذ ستمگران هستند.

امروزه، مهم‌ترین مرجع جهانی، سازمان ملل است؛ ولی برخی کشورها مثل آمریکا، برای خود حق «وتو» گذاشته‌اند؛ یعنی اگر تمام نمایندگان کشورهای دنیا موضوعی را تصویب کنند، هریک از آنها پنج عضو دائمی می‌تواند یک طرفه آن را لغو کند. این سیمای حقوق بشر در زمان ماست.

اما در قرآن می‌خوانیم: پیامبر حق ندارد حتی کلمه‌ای را از پیش خود به خدا نسبت دهد. ﴿قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقُّاءِ نَفْسِي﴾<sup>(۱)</sup>

آری همان‌گونه که برای حفظ سلامتی باید تسلیم دستورات پزشک باشیم، برای رسیدن به خوشبختی هم باید تسلیم دستورات خدا باشیم.

خداوند، هم هزاران هزار برابر از پزشک آگاه‌تر است و هم مهربان‌تر. تنها او می‌داند که انسان چه موجودی است و چه دستوری به نفع اوست که آن را واجب یا مستحب و چه امری به ضرر اوست که آن را حرام یا مکروه کرده است.

### پیام‌ها:

- ۱- خدای عزیز کتاب عزیز را توسط پیامبر عزیز برای نجات مردم فرو می‌فرستد. ﴿تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ﴾
- ۲- بر خلاف عزّت ظاهری طاغوت‌ها که معمولاً همراه با ظلم

و استبداد است، عزّت الهی حکیمانه است. ﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾  
۳- چون خداوند عزیز و شکست‌ناپذیر است، سخن او نیز در برابر تمام مکتب‌ها و سخن‌ها پیروز و شکست‌ناپذیر است.

﴿الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

۴- قرآن، عزّت آفرین و حکمت‌آموز است، چون از جانب خدای عزیز حکیم است. ﴿الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

۵- قرآن، سراسر حق و از هرگونه خیال‌پردازی و سخن نادرست به دور است. ﴿بِالْحَقِّ﴾

۶- دلیل و فلسفه‌ی نزول قرآن، ارائه حق به مردم است. ﴿تَنْزِيلَ الْكِتَابِ... بِالْحَقِّ﴾

۷- عبادت باید در بستر حق باشد و گرنه بسیاری از منحرفان هم به نوعی عبادت دارند. ﴿بِالْحَقِّ فَاعْبُدْ﴾

۸- همان‌گونه که هدف از آفرینش، عبادت است، ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۱)</sup>، هدف از نزول کتاب نیز عبادت است. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ... فَاعْبُدِ اللَّهَ﴾

۹- نزول کتاب، نعمتی است که سزاوار شکر الهی است. ﴿تَنْزِيلَ الْكِتَابِ... فَاعْبُدْ﴾ و بدون شک بهترین نوع شکر، عبادت خداوند است.

۱۰- عبادت خالصانه، از هوس‌ها، خیال‌ها و خرافات به دور است. ﴿مَخْلَصاً لَهُ الدِّينَ﴾

۱۱- در عبادات، اخلاص و قصد قربت لازم است. ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مَخْلَصاً﴾

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

آگاه باشید که دین خالص مخصوص خداوند است و کسانی که به جای خداوند معبودهایی را برگزیدند (و در توجیه کار خود گفتند: ما آنها را نمی‌پرستیم مگر برای آن که ما را به خدا نزدیک‌تر کنند، همانا خداوند درباره‌ی آن چه آنان بر سر آن اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌کند؛ البتّه خداوند کسی را که دروغگوی کفران پیشه است هدایت نمی‌کند.

#### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل به پیامبر فرمود: عبادت خالصانه باشد. ﴿فاعبدالله مخلصاً﴾ در این آیه، به همه‌ی مردم می‌فرماید: دستورات دینی و تمام عبادت‌ها باید برای خدا و خالصانه باشد. ﴿لله الدّین الخالص﴾

□ شخصی به پیامبر اکرم ﷺ گفت: ما اموال خود را به فقرا می‌دهیم تا از ما به نیکی و خوبی یاد شود و نام ما به نیکی برده شود. حضرت فرمود: خداوند تنها کار خالص را می‌پذیرد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾<sup>(۱)</sup>

□ حضرت علیؓ می‌فرماید: بهترین راهی که می‌توان با آن به خدا نزدیک شد، ایمان به خدا و پیامبرش و جهاد و اخلاص و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه گرفتن ماه رمضان و انجام حج و عمره و صله رحم و انفاق‌های پنهانی و آشکار و کارهای نیک است.<sup>(۲)</sup>

□ برای بت پرستی ریشه‌هایی گفته‌اند، از جمله:

الف. برای احترام به بزرگان، مجسمه‌ی آنان را می‌ساختند و با گذشت زمان این مجسمه‌ها از قداستی خاص برخوردار شد و مورد پرستش

قرار می‌گرفت.

ب. بت پرستان گمان می‌کردند که انسان نمی‌تواند مستقیم و بدون واسطه با خدا ارتباط برقرار کند و برای ارتباط نیاز به واسطه‌های مقدّس دارد، لذا برای مقدّسین تمثالی می‌ساختند که به مرور زمان این سمبل‌ها به صورت بت در آمد.

□ به کسی که حتی یک دروغ بگوید، «کاذب» می‌گویند، ولی کلمه‌ی «کفّار» به افرادی گفته می‌شود که کفر و کفران راه و روش دائمی آنها باشد و از اینکه کاذب و کفّار کنار هم آمده، می‌توان استفاده کرد که ممکن است یک دروغ برای همیشه انسان را منحرف کند. حتی ممکن است یک دروغ جامعه را کافر کند. چنانکه علمای یهود و مسیحی، پیامبر اکرم ﷺ را به خوبی همچون فرزند خود می‌شناختند، ولی به مردم به دروغ می‌گفتند: این پیامبر، آن پیامبر موعود نیست و با دروغ و کتمان حق، جامعه‌ای را به انحراف می‌کشاندند.

#### پیام‌ها:

- ۱- از شیوه‌های تبلیغ و تربیت، حسّاس کردن مخاطب است. (کلمه‌ی «ألا» یعنی آگاه باش که مسئله مهمی است.)
- ۲- تمام مکاتب بشری با خرافات و هوس‌ها آلوده هستند و دین خالص، تنها از آن خداست. ﴿لله الدّین الخالص﴾
- ۳- ارزش دینداری به خالص بودن آن است و گرنه دین همراه با هوس‌ها و خرافات نزد خدا ارزشی ندارد. ﴿لله الدّین الخالص﴾
- ۴- منحرفان، معمولاً انحرافات خود را توجیه می‌کنند. گاهی بت پرستان پرستش بت‌ها را واسطه‌ی نزدیک شدن خود به خدا می‌دانند. ﴿ما نعبدهم الاّ ليقربونا﴾
- ۵ - خداجویی امری فطری و نهفته در وجود انسان حتّی

۱. تفسیر در المنثور. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.



مشرکان است. ﴿لِيَقْرَبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾

- ۶- گرچه استفاده از وسیله برای رسیدن به خدا، مورد سفارش خداست، ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾<sup>(۱)</sup> ولی هر چیزی شایسته واسطه گری را ندارد. ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقْرَبُوا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾
- ۷- تقرّب به خدا، محبوب هر انسانی است. ﴿لِيَقْرَبُوا إِلَى اللَّهِ﴾
- ۸- برخی بت پرستان خدا را قبول داشتند و بت‌ها را واسطه تقرّب به او می‌پنداشتند. ﴿إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾
- ۹- مشرکان به شفاعت عقیده داشتند؛ لکن بت‌ها را شفیع خود می‌پنداشتند. ﴿إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾

- ۱۰- قیامت روز پایان اختلافات است. ﴿يَحْكُمُ... فِي مَا... يَخْتَلِفُونَ﴾
- ۱۱- انسان باید بستر هدایت الهی را در خود فراهم کند و دروغ و کفر، انسان را از قابلیت هدایت الهی دور می‌سازد. ﴿لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾
- ۱۲- دروغ می‌تواند مقدمه انحراف دائمی شود. ﴿كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾
- ۱۳- واسطه گری و تقرّب آفرینی بت‌ها، عقیده‌ای نادرست است. ﴿كَاذِبٌ﴾
- ۱۴- بت‌ها به گمان بت پرستان همچون موجودات عاقل و فهیم بودند. ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ﴾ («هُم» برای افراد با شعور بکار می‌رود).

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

اگر خداوند اراده کرده بود فرزندی بگیرد، قطعاً از آن چه می‌آفریند، آن چه را می‌خواست بر می‌گزید. او منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد) او خدای یگانه‌ی پیروز است.

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند نه فرزند دارد؛ ﴿لَمْ يَلِدْ﴾ و نه فرزندخوانده. ﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا﴾
- ۲- اگر خداوند فرزندی بخواهد از میان بهترین‌ها انتخاب می‌کند نه از سنگ و چوب. ﴿أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ﴾
- ۳- فرزندخواهی، نشانه‌ی نیاز و فناپذیری است و او منزّه است. ﴿سُبْحَانَهُ﴾
- ۴- فرزندخواهی، نشانه‌ی جسم بودن، تجزیه پذیری، شبیه و همسر داشتن است، در حالی که او واحد است. ﴿الوَاحِدُ﴾
- ۵- فرزندخواهی نشانه‌ی نیاز جسمی یا نیاز روحی و روانی است، در حالی که او قهار است. ﴿الْقَهَّارُ﴾

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ

يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي

لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

او آسمان‌ها و زمین را به حقّ آفرید. شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب می‌پیچد و خورشید و ماه را رام ساخت. هر یک تا مدّتی معین در حرکتند، بدانید که او عزیز بسیار آمرزنده است.

### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش زمین و آسمان تصادفی نیست. ﴿خلق السموات و...﴾
- ۲- هم کتاب و دستورات الهی حقّ است، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾<sup>(۱)</sup> و هم نظام آفرینش. ﴿خلق السموات و الارض بالحق﴾
- ۳- او هم خالق است، ﴿خَلَقَ﴾ و هم مدبّر و با تدبیر خود شب و

روز را درهم می پیچد. ﴿يَكْوَرُ﴾

۴- خورشید و ماه پیوسته در حرکتند. ﴿كُلٌّ يَجْرِي﴾

۵- خورشید و ماه و کرات آسمانی، دارای حرکتی زمان بندی شده اند. ﴿لَا جِلِّ﴾

۶- حرکات کرات آسمانی حساب شده و معین است. ﴿مُسَمًّى﴾

۷- از اینکه آیه ی قبل با کلمه ی ﴿قَهَّارٌ﴾ و این آیه با کلمه ی ﴿غَفَّارٌ﴾ پایان پذیرفته است، می توان استفاده کرد که باید بیم و امید در کنار هم باشد.

۸- عفو خدا بر اساس عجز و ضعف نیست، بلکه با وجود قدرت می بخشد. ﴿الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾

۹- آفرینش آسمان ها و زمین و حرکات ماه و خورشید و شب و روز، جلوه ای از عزّت همراه با لطف الهی است. ﴿خَلَقَ، سَخَّرَ، يَكْوَرُ، هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾

او شما را از یک نفس آفرید، سپس جفتش را از همان نفس قرار داد و برای شما از چهار پایان هشت جفت (نر و ماده گوسفند، بز، گاو و شتر) نازل کرد. او شما را در شکم های مادرانتان و در تاریکی های سه گانه (گوشت، پوست و رحم) آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر در مراحل گوناگون) می آفریند. این است خدایی که پروردگار شماست، حکومت برای اوست، جز او هیچ

معبودی نیست، پس چگونه به بی راهه می روید؟

## نکته ها:

□ مراد از «أَنْزَلَ» نزول مکانی نیست؛ بلکه نعمتی است که از مقام برتر به مقام پایین تر داده می شود. یا از «نُزْل» به معنای پذیرایی از مهمان یا اولین چیزی که از مهمان پذیرایی می شود، نظیر آیه ی ﴿نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup> و یا به جهت آن است که سرچشمه ی حیات حیوانات، آبی است که از آسمان و بالا نازل می شود و خزینه ی همه ی نعمت ها بالاست. ﴿إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾<sup>(۲)</sup> هیچ چیزی نیست مگر آن که خزینه ی آن نزد ماست و ما جز به مقدار معین نازل نمی کنیم.

□ مراد از «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» در این جا به دلیل آیه ی ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره ی انعام که می فرماید: ﴿مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ﴾، ﴿وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ﴾ نر و ماده از چهار نوع حیوان است: گوسفند، بز، شتر و گاو.

در میان انواع حیوانات، چهار حیوان (گوسفند، بز، گاو و شتر) نقش ویژه ای در خوراک، پوشاک، کارآفرینی، اقتصاد و ایجاد اشتغال دارند. «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» هزاران کارخانه ریسندگی، رنگرزی، چرم سازی، لبنیات، بسته بندی، بافندگی، با میلیون ها کارگر، تغذیه، اشتغال و اقتصاد مردم را حل کرده است.

□ مراد از «ظُلُمَاتٍ سَهْ گانه»، به فرموده امام باقر (علیه السلام) تاریکی شکم و تاریکی رحم و تاریکی تخمدان - کیسه ای که جنین در آن قرار دارد - است.<sup>(۳)</sup> چنانکه امام حسین (علیه السلام) نیز در دعای عرفه به این موضوع اشاره کرده است. «ثُمَّ اسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ»

۱. آل عمران، ۱۹۸. ۲. حجر، ۲۱. ۳. تفسیر مجمع البیان.

## اندیشه راه نجات از بیراهه

در پایان آیه‌ی ششم خواندیم: ﴿فَإِنِّي تُصْرِفُونَ﴾ چرا به بیراهه می‌روید؟ چرا دست خدا را در آفرینش خود، آنگاه که در شکم مادران بودید، نمی‌بینید؟! راستی در هرچه بنگریم، نشانه‌های قدرت، حکمت و محبت او را مشاهده می‌کنیم. اگر کمی به خود نگاه کنیم، می‌بینیم که خود را نساخته‌ام. پس سازنده‌ای دارم. سازنده‌ی من باید دانا و توانا باشد. مرا دوست داشته باشد. تمام نیازهای مرا بداند و بتواند آنها را برطرف سازد. او کسی نیست، مگر آفریدگار حکیم و مهربان من، خدای بزرگ.

هر نوزادی که به دنیا می‌آید، نخستین چیزی که نیاز دارد، غذاست؛ اما او نه کسی را می‌شناسد و نه توانایی انجام کاری را دارد. اگر تمام متخصصان جمع شوند و بخواهند راهی برای تغذیه او مشخص کنند، چه طرحی دارند؟ غذای او باید از چه چیز و از چه مواد لازمی تشکیل شده باشد؟ در چه درجه حرارتی نگهداری شود؟ توسط چه کسی تهیه و چگونه به طفل داده شود؟

نوزاد فقط یک کار بلد است و آن مکیدن است. نه توانایی جویدن دارد و نه حتی فوت کردن می‌داند.

چه کسی مهربان‌تر از مادر و چه غذایی بهتر از شیر مادر؟ لذا تغذیه نوزاد زیر نظر مادر است، تغذیه‌ای همراه با عشق و محبت. غذا نیز همواره آماده بوده و نیازی به سرد یا گرم کردن ندارد.

اگر این همه نعمت نبود چه می‌شد؟ اگر مادر شیر نداشت؛ اگر نوزاد به جای مکیدن، فوت می‌کرد؛ اگر نمی‌توانست گرسنگی خود را با گریه اعلام کند؛ اگر همه نیازهای نوزاد با شیر مادر تأمین نمی‌شد و اگر مهر مادر کم بود و حاضر به پذیرش چنین مسئولیتی نبود؟

کدام علم و قدرت است که بتواند این همه نیاز را بشناسد و به طور دقیق تمام آنها را برطرف سازد؟

خدایا! نه من می‌دانستم چه نیازی دارم و نه پدر و مادرم به خوبی خبر داشتند چه غذایی برای من لازم و مفید است. پیش از به دنیا آمدنم، سینه مادر را پر از شیر و قلب او را پر از مهر و محبت کردی. بهترین غذا را در اختیارم گذاشتی تا از ساده‌ترین راه، نیاز خود را تأمین کنم.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه به همین نعمت اشاره می‌کند که «خدایا! مادر مهربانم را متکفل و سرپرست من قرار دادی و بهترین غذا را به من نوشاندی.»

ما از بس به نعمت‌های فراوان عادت کرده‌ایم، قدر آن را نمی‌دانیم مگر آنکه آن نعمت‌ها را از دست بدهیم. خدایا! تو را در برابر این همه لطف سپاس می‌گویم. مرا یاری کن تا از نعمت‌های تو به خوبی استفاده کنم، تو را فراموش نکنم، به پدر و مادرم نیکی کنم و همان گونه که تو برای من خدای خوبی بودی، من هم برای تو بنده‌ی خوبی باشم.

## پیام‌ها:

۱- جنس همه‌ی انسان‌ها، از مرد و زن و از هر نژادی، یکی است. ﴿نفس واحدة﴾

۲- گرچه مرد و زن از نظر جسمی تفاوت‌هایی دارند، اما روح و شخصیت انسانی آنها یکسان است. ﴿نفس واحدة﴾

۳- زوجیت نعمتی است علاوه بر خلقت که خداوند به انسان عطا کرده است. ﴿خَلَقَكُمْ... ثُمَّ جَعَلَ... زَوْجَهَا﴾ (راستی اگر بیست سال همه‌ی زن‌ها دختر یا پسر بزیایند، چه حادثه و فاجعه‌ای رخ می‌دهد.)

۴- انسان، به همسر نیازمند است. ﴿خَلَقَكُمْ... ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾

۵- شکم و شهوت، نیازهای اولیه‌ی انسان است که خداوند به آن توجه کرده است. ﴿جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَانْزَلَ... الْإِنْعَامَ﴾

۶- آفرینش انسان در چند مرحله انجام می‌گیرد. ﴿خَلَقَ مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ﴾ (در آیه ی ۱۲ و ۱۳ سوره ی مؤمنون از این مراحل به ﴿نُطْفَةٍ، عَلَقَةٍ، مُضْغَةٍ﴾ یاد شده است.)

۷- انسان در تاریکی بسیار ناتوان است، ولی خداوند در تاریکی های متراکم، فعال است. ﴿يَخْلُقُكُمْ... فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾  
۸- تمام نعمت های زندگی را از خدا بدانیم که او هم خالق است و هم مالک، هم ربّ است و هم معبود. ﴿خَلَقَكُمْ... رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

اگر کفران کنید، پس خداوند از شما بی نیاز است و برای بندگانش کفران را نمی‌پسندد و اگر شکرگزار باشید، آن را برای شما می‌پسندد و هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد، سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را به آن چه عمل می‌کردید خبر خواهد داد، همانا او به آنچه در سینه‌هاست، بس آگاه است.

#### نکته‌ها:

□ در آیه ی قبل، از آفرینش انسان و سایر موجودات و رزق و روزی مادی سخن به میان آمد، در این آیه سخن از وظیفه ی انسان و شکرگزاری او در برابر این نعمت‌هاست. البته خداوند نیازی به این کار ندارد، همان گونه که خانه سازی رو به خورشید، نشانه ی نیاز خورشید به ما نیست. خداوند نه تنها به ما، بلکه به هیچ چیزی نیاز ندارد. چنانکه در

جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

□ مراد از کفر در این آیه، کفران نعمت است، به دلیل آن که در مقابل آن، از شکر سخن به میان آمده است.

□ خداوند ما را بیش از خودمان دوست دارد، زیرا او کفران و ناسپاسی را برای ما نمی‌پسندد، ولی ما می‌پسندیم.

□ چون در آیه بیان شده که هر کس مسئول کار خویش است و محلّ رسیدگی به امور قیامت است، لذا آیه با جمله ی ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ پایان پذیرفت تا بگوید: داور آن روز، همه چیز را می‌داند.

#### پیام‌ها:

۱- فرمان عبادت، نشانه ی نیاز خداوند به مخلوقات نیست. ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ﴾

۲- کفر و انحراف خود را به خدا نسبت ندهیم. ﴿لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾ (برخی کفار و مشرکان، شرک خود را خواست خدا می‌دانستند. ﴿لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا﴾<sup>(۲)</sup>)

۳- خداوند منحرفان را نیز بنده ی خود می‌داند. ﴿لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾

۴- شکر، کلید جلب رضایت خداست. ﴿إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾

۵- در شیوه ی دعوت، گام به گام پیش رویم. خداوند در گام اوّل فرمود: او بی نیاز است، در گام دوم فرمود: او به کفر شما راضی نیست، در گام سوم فرمود: ایمان و شکر شما به سود شماست و در پایان فرمود: اگر سرکشی کنید به حسابتان می‌رسد. ﴿غَنِيٌّ عَنْكُمْ - لَا يَرْضَىٰ - يَنْبِئُكُمْ﴾

۶- خداوند عادل است و هر کس تنها جزای کار خودش را می‌بیند. ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ﴾

۱. آل عمران، ۹۷. ۲. انعام، ۴۸.

۷- هر کس مسئول کار خویش است و نمی‌توان گناه کسی را به دوش دیگری انداخت. ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾  
 ۸- در تهدید گناهکاران، راه عفو را نیز باز گذارید. (کلمه‌ی «ینبشکم» می‌فرماید: از عملکردتان خبر می‌دهد و نمی‌فرماید: به عملکردتان کیفر می‌دهد).

۹- مقدار پاداش و کیفر، به عملکرد خود ما بستگی دارد. ﴿بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾  
 ۱۰- دقت در پاداش و کیفر، به علم دقیق الهی مربوط است. ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾  
 ۱۱- علم الهی، هم عمیق است و هم گسترده، هم به ظاهر است و هم به باطن. ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾  
 ۱۲- خدا، نیت و انگیزه اعمال را می‌داند. ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّیُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿۸﴾  
 و هرگاه به انسان آسیبی رسد پروردگارش را می‌خواند، در حالی که به سوی او بازگشته است. اما همین که خداوند از جانب خویش نعمت بزرگی به او دهد آن چه را (به خاطر رفع آن) قبلاً خدا را می‌خواند، فراموش می‌کند و برای خداوند همتیانی قرار می‌دهد تا (خود و دیگران را) از راه او منحرف سازد. بگو: «مدّت کمی را با کفر خود کامیاب باش که تو بدون شک از دوزخیانی».

**نکته‌ها:**

□ «ضُرٌّ» به معنای هر گونه آسیب و ضرر است. «خَوَّلَهُ» از «خَوَّلَ» به معنای عطای بزرگ است.

□ «منیب» اگر از «نوبة» باشد، یعنی انسان مکرّر و نوبت به نوبت به خدا توجه می‌کند و اگر از «ناب» باشد، به معنای انقطاع است، یعنی انسان در بست به او توجه می‌کند که ظاهراً همین معنای دوم مراد است.  
 □ در آیات قبل، خداشناسی از طریق آفریده‌ها مطرح بود و در این آیه، توجه به خداوند از طریق فطرت و درون انسان مطرح است.

**پیام‌ها:**

- ۱- قرآن از توجه‌های موسمی و موضعی انسان به خدا که به هنگام اضطراب انسان پیش می‌آید و بعد فراموش می‌شود، انتقاد می‌کند. ﴿إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا﴾
- ۲- انسان کم ظرفیت است و با اندکی سختی، بی‌تابی می‌کند. ﴿مَسَّ﴾
- ۳- مشکلات، عامل بیداری و بازگشت به فطرت است. ﴿ضُرٌّ دَعَا﴾ (گرفتاری‌ها انسان را به توبه و دعا وادار می‌کند).
- ۴- دعای خالصانه سبب برطرف شدن ناگواری‌هاست. ﴿مُنِيبًا إِلَيْهِ... خَوَّلَهُ نِعْمَةً﴾
- ۵- ضررها از او نیست؛ بلکه نتیجه‌ی عملکرد بد خودمان است، ولی نعمت‌ها از اوست. ﴿نِعْمَةً مِنْهُ﴾
- ۶- رفاه، مایه‌ی غفلت و فراموشی است. ﴿نِعْمَةً - نَسِيَ﴾
- ۷- انسان کم ظرفیت به هنگام رفاه، مشکلات قبلی خود را فراموش می‌کند. ﴿نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ﴾
- ۸- غفلت از یاد خدا، موجب شرک است و کسی که به خاطر رفاه خدا را فراموش کند، به سراغ غیر او می‌رود. ﴿نَسِيَ... جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾
- ۹- شرک انسان، گسترده ولی ناپایدار است و هر روز به چیزی

دل می‌بندد. ﴿انداداً﴾ («انداد» به معنی معبودان متعدد است)

۱۰- توجّه انسان به غیر خدا، دیگران را نیز به اشتباه و گمراهی می‌اندازد. ﴿لِيُضِلَّ﴾

۱۱- انحراف انسان گام به گام است. اوّل: نسیان ﴿نَسِيَ﴾ دوم:

شرک ﴿جَعَلَ لِلَّهِ اِندَاداً﴾ سوم: منحرف کردن دیگران ﴿لِيُضِلَّ﴾

۱۲- هر کامیابی نشانه محبوبیت نزد خدا نیست. ﴿تَتَّعَ بِكُفْرِكَ﴾

۱۳- کامیابی‌های دنیا نسبت به آخرت کم است. ﴿تَتَّعَ... قَلِيلاً﴾

۱۴- مجازات ناسپاسی و بی‌دینی، همنشینی و قرین شدن با دوزخیان است. ﴿اِنَّكَ مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ﴾

اَمَنْ هُوَ قَانِتٌ اَنَّا اَلَيْلٍ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْاٰخِرَةَ وَ

يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِيْنَ يَعْلَمُوْنَ وَالَّذِيْنَ لَا

يَعْلَمُوْنَ اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُو الْاَلْبَابِ ﴿٩﴾

آیا (چنین کسی بهتر است یا) آن کس که در طول شب در حال سجده و قیام به اطاعت مشغول است (و) از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» تنها خردمندان متذکر می‌شوند (و پند می‌پذیرند).

**نکته‌ها:**

□ در کنار آیه‌ی قبل که سیمای دوزخیان و اصحاب آتش را بیان کرد، در این آیه، سیمایی از مؤمنان را بیان می‌فرماید. در آیه‌ی قبل فرمود: گروهی تنها به هنگام مصیبت به خداوند توجّه دارند و هنگام رفاه او را فراموش می‌کنند، ولی در این آیه می‌فرماید: مؤمنان همواره به یاد خدا هستند، چه در رفاه و چه در سختی.

□ امام باقر(علیه السلام) فرمود: مراد از ﴿قانت آناء الیل ساجداً وقائماً﴾، قیام و

به پاخاستن برای نماز شب است.<sup>(۱)</sup>

**پیام‌ها:**

۱- شب بهترین بستر و زمان عبادت است. ﴿قَانَتْ اَنَاءَ اَلَيْلِ﴾

۲- نشانه‌ی علم مفید، بندگی خداست. ﴿سَاجِداً وَقَائِماً... الَّذِيْنَ

يَعْلَمُوْنَ﴾ (علم و عبادت باید با هم باشد. آری، شب‌زنده‌داران

عابد و آخرت‌جویان امیدوار به رحمت الهی، عالمان واقعی

هستند.)

۳- عبادتی ارزش دارد که تداوم داشته باشد. ﴿سَاجِداً وَقَائِماً﴾

به صورت اسم فاعل آمده که نشانه‌ی استمرار است.)

۴- مردان خدا، هم از عذاب آخرت بیم دارند و هم به رحمت

الهی امیدوارند. ﴿يَحْذَرُ، يَرْجُوا﴾

۵- ترس ما به خاطر عمل خود ماست، ﴿يَحْذَرُ الْاٰخِرَةَ﴾ ولی امید

ما به فضل و رحمت اوست. ﴿يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ﴾

۶- یکی از روش‌های تربیت، مقایسه‌ی خوبی‌ها و بدی‌ها و

افراد خوب و بد است. ﴿اَمَنْ هُوَ قَانِتٌ﴾، ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِيْنَ

يَعْلَمُوْنَ وَالَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾

۷- پندپذیری، نشان عقل سلیم است. ﴿اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُو الْاَلْبَابِ﴾

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِيْنَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوا فِيْ هٰذِهِ

الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَّاَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةٌ اِنَّمَا يُوَفَّى الصّٰبِرُوْنَ

اَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان پروا

کنید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند، نیکی است و

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

زمین خدا بزرگ است، (پس اگر در منطقه‌ای برای حفظ ایمان و تقوا و کار نیک در فشارید، هجرت کنید). همانا صابران پاداش خود را بی حساب به طور کامل دریافت می‌دارند.

**نکته:**

□ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «برای مبتلایان و گرفتاران در قیامت پرونده‌ای گشوده نمی‌شود (و آنان بدون سؤال و جواب به بهشت می‌روند)»، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «أَمَّا يَوْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>(۱)</sup>

**پیام‌ها:**

- ۱- در دعوت دیگران به کار نیک، به مخاطبان خود کرامت دهید. ﴿يَا عِبَادَ﴾
- ۲- ایمان به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید همراه با تقوا و دوری از گناه باشد. ﴿آمَنُوا - اتَّقُوا﴾
- ۳- کار نیکی ارزش اخروی دارد که از اهل ایمان و تقوا باشد. ﴿آمَنُوا اتَّقُوا... احسنوا﴾
- ۴- در کارهای نیک، خدا مقابله به مثل می‌کند. ﴿لَّذِينَ احسنوا... حسنة﴾ (در آیات دیگر نیز می‌فرماید: ﴿إِنْ احسنتم احسنتم لانفسکم﴾<sup>(۲)</sup> اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید. ﴿هل جزاء الاحسان الاّ الاحسان﴾<sup>(۳)</sup> آیا پاداش احسان جز احسان است).
- ۵- گاهی حفظ تقوا، مستلزم هجرت است. ﴿آمَنُوا اتَّقُوا... ارض الله واسعة﴾
- ۶- هجرت، صبر و مقاومت لازم دارد. ﴿ارض الله واسعة اَمَّا يَوْفَى الصَّابِرُونَ﴾

۷- هجرت، مقدمه‌ی دریافت الطاف الهی است. ﴿ارض الله واسعة... اجرهم بغير حساب﴾

قُلْ إِنِّي آمَرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

بگو: «همانا من مأمورم که خدا را بپرستم در حالی که دین را برای او خالص و پیراسته گردانیده‌ام. و فرمان یافته‌ام که اولین مسلمان باشم». قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

بگو: «همانا اگر نسبت به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روزی بزرگ بیم دارم».

### عوامل گرایش یا فرار از دین

این سه آیه، درس بزرگی به ما می‌آموزد. اگر امروز افرادی را می‌بینیم که به دین عشق نمی‌ورزند، باید دلایل آن را جستجو کنیم. دلایل بی‌اعتنایی و بی‌رغبتی مردم به دین، ممکن است به اموری باشد، از جمله:

- ۱- دین به طور صحیح و سالم و به دور از خرافات و سلیقه‌های شخصی به مردم معرفی نشده باشد.
- ۲- بعضی از مبلغان و پیروان دین، خودشان به دین عمل نکرده باشند.
- ۳- افرادی خود را نماینده‌ی خدا می‌دانند و دست به هر قانون شکنی می‌زنند.

آیات فوق می‌فرماید: ای پیامبر! به مردم بگو: مأموریت من بندگی خالص است. (نه همراه با خرافات)

مثال: همان‌گونه که اگر مگسی در لیوان آبی بیافتد، مردم از نوشیدن آن صرف نظر می‌کنند، هرگاه خرافاتی در دین قرار گیرد، مردم از اصل دین صرف نظر می‌کنند. دین خالص، دینی است که هیچ‌گونه سلیقه‌ی

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. اسراء، ۷. ۳. الرحمن، ۶۰.

شخصی و قومی و حزبی و... در آن نباشد.

گاهی نیز بی اعتنایی مردم به دین به خاطر آن است که متولیان دین، خود به آن عمل نمی‌کنند. لذا در این آیات پیامبر اکرم مأمور است که به مردم بگوید: من در عمل به دین پیشقدم هستم. ﴿أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾

کسی پیشقدم می‌شود که آگاه و عاشق و صادق و فداکار باشد و چنین افرادی می‌توانند راهنمایان بشر باشند. در پایان می‌خوانیم: ای پیامبر! به مردم بگو: من با شما فرقی ندارم، تبعیض در کار نیست؛ حتی اگر من خلاقی مرتکب شوم، مورد قهر الهی قرار می‌گیرم. ﴿أَنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ قانون برای همه یکسان است و راه فرار برای هیچ کس باز نیست.

امروز نیز وظیفه ما همین امر است. ما باید دین را از خرافات جدا کنیم، اسلام ناب را بشناسیم، به آن عمل کنیم و به دیگران بشناسانیم. البته شناسایی اسلام ناب تنها از طریق قرآن و عترت ممکن است و ما آن را از طریق فقهای عادل و بدون هوا و هوس و مراجع تقلید فرامی‌گیریم.

ما نباید در عمل منتظر دیگران باشیم؛ حتی اگر لازم باشد، باید یک تنه به پا خیزیم، شعار «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» و «با یک گل بهار نمی‌شود» را کنار بگذاریم. همچون پیامبر عزیز بگوییم: «مأموریت من بندگی خداست» و در این کار، قدم جلو می‌گذارم و منتظر دیگران نمی‌ایستم.

خدا ترسی باید محور کار ما باشد و هیچ مقامی نباید خود را بیمه بداند، چنانکه پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «حتی اگر من خلاف کنم، گرفتار قهر الهی می‌شوم.»

نور چشمی، خویشاوندی، حق و تو، پارتی بازی و خودمحوری، به هر شکلی و در هر قالبی محکوم است.

### پیام‌ها:

۱- با اعلام خدامحوری، مشرکان را از تلاش و انگیزه نفوذ در اندیشه و مکتب خود مأیوس کنید. ﴿قُلْ أَنِّي أُمَرْتُ﴾

۲- پیامبر از پیش خود چیزی نمی‌گوید و کاری نمی‌کند. ﴿أُمَرْتُ... أُمَرْتُ﴾

۳- رهبر باید در کمالات پیشگام باشد. ﴿أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله در انجام عبادت خالصانه و دیگر وظایفش، یک تنه عمل می‌کرد، چه دیگران همراهی می‌کردند و چه مخالفت. ﴿أُمَرْتُ - مُخْلِصاً - أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾

۵- ترس از عذاب الهی، یکی از مکارم الاخلاق است، زیرا پیامبر مأمور به اقرار آن است. ﴿قُلْ أَنِّي أَخَافُ...﴾

۶- در دادگاه عدل الهی، انبیا با سایر افراد فرقی ندارند. ﴿إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ چون ملاک سنجش رفتار، اطاعت و نافرمانی خداوند است.

۷- ایمان به قیامت، از عوامل بازدارنده از گناه است. ﴿أَنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

قُلِ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ

دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾

بگو: «من تنها خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او خالص کرده‌ام. پس شما جز او هر چه را می‌خواهید بپرستید».

بگو: «همانا زیانکاران (واقعی) کسانی هستند که سرمایه‌ی وجودی خویش و بستگانشان را در قیامت از کف داده باشند،

آگاه باش، این همان زیان آشکار است».



## نکته‌ها:

- «خسارت»، از دست دادن اصل سرمایه است. یخ فروشی که مشتری ندارد، نه تنها سود نمی‌برد؛ بلکه اصل سرمایه‌اش نیز از دست می‌رود و آب می‌شود. «خسران نفس»، به معنای هلاکت آن است، به طوری که استعدادها از دست برود.
- از اینکه در آیه ۱۵ سه مرتبه «خسارت» تکرار شده، ممکن است مراد توجه و بیدار کردن انسان نسبت به خسارتِ نفس در قیامت باشد.
- به سراغ غیر خدا رفتن، هرچه و هر که باشد، خسارت است. انسان باید در تجارت یا سود کند یا ضرر نکند و یا لااقل ضرر کمی بدهد؛ ولی مشرکان، آخرت را می‌بازند و لذا خسران آنان مبین و آشکار است، به علاوه، خسارت نفس در آخرت قابل جبران نیست.
- از ابتدای این سوره تاکنون، چهار بار از اخلاص سخن به میان آمده که شاید به خاطر آن است که در طول تاریخ بزرگ‌ترین آفت برای دین و دینداران، اضافه شدن خرافات و سلیقه‌ها و تحریف‌ها و بدعت‌ها بوده است. ﴿مُخْلِصاً لَهُ دِينَهُ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- موضع خود را در برابر کُفَّار با صراحت اعلام کنید. ﴿قُلْ﴾
- ۲- یکتا پرستی برجسته‌ترین سخن انبیاست. ﴿قُلْ اللَّهُ اعْبُدْ﴾
- ۳- انبیا دستورات الهی را با جان و دل اجرا می‌کردند. (در چند آیه‌ی قبل خواندیم: ﴿إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ اعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً﴾ و در این آیه می‌فرماید: ﴿قُلْ اللَّهُ اعْبُدْ مُخْلِصاً﴾)
- ۴- در اجرای قوانین دینی، اخلاص شرط اساسی است و باید از پذیرش هرگونه تغییر و تحوّل و تسلیم شدن در برابر سلیقه‌های دیگران خودداری کنیم. ﴿مُخْلِصاً لَهُ دِينَهُ﴾

- ۵- در شیوه‌ی تبلیغ، گاهی تهدید لازم است. ﴿فاعبدوا ما شئتم﴾ چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿اعملوا ما شئتم﴾<sup>(۱)</sup> هرگونه می‌خواهید عمل کنید.
- ۶- رهبر باید بداند همه‌ی مردم تسلیم او نخواهند شد. ﴿فاعبدوا ما شئتم﴾
- ۷- از خدا که جدا شدیم، به هر چه وصل شویم فرقی ندارد، زیرا خسارت است. ﴿ما شئتم﴾
- ۸- خود باختگی، بزرگ‌ترین خسارت‌هاست. ﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ۹- انسان مسئول خانواده‌ی خویش است. ﴿وَأَهْلِيهِمْ﴾
- ۱۰- سود و زیان واقعی در قیامت معلوم می‌شود. ﴿خَسِرُوا... يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾
- ۱۱- برای کسانی که دیر باورند، سخن حق را تکرار کنیم. ﴿أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخَسِرَانِ...﴾

لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ

اللَّهُ بِهِ عِبَادُهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿۱۶﴾

برای آنان (زیانکاران) از بالای سرشان لایه‌هایی از آتش و از زیر پایشان نیز لایه‌هایی (از آتش) است. این عذابی است که خداوند بندگان را به آن می‌ترساند. پس ای بندگان من! از من پروا کنید.

## پیام‌ها:

- ۱- شرک در دنیا، قهر و عذاب در آخرت را به دنبال دارد. ﴿مَنْ فَوْقَهُمْ ظُللٌ مِنَ النَّارِ﴾
- ۲- کیفر کسانی که خدا را رها کرده، به سراغ غیر او رفته و گرفتار

۱. فصّلت، ۴۰.

خسران شده‌اند، احاطه‌ی آتش از هر سویی است. ﴿مَنْ فَوْقَهُمْ ظِلُّ مِنَ النَّارِ...﴾

۳- هشدارهای الهی بر اساس مهر و محبت اوست. ﴿يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ﴾

۴- ایمان به خطرهای قیامت، سبب تقواست. ﴿ظِلُّ مِنَ النَّارِ... فَاتَّقُونِ﴾

۵- تقوا، سبب رهایی از آتش دوزخ است. ﴿ظِلُّ مِنَ النَّارِ... فَاتَّقُونِ﴾

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾

و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت‌ها (قدرت‌های ضد الهی) دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

آنان که تمام سخنان را با دقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندان.

نکته‌ها:

□ «اجتناب» یعنی دوری و جدا شدن از چیزی. «طاغوت» از «طغیان» به معنای تجاوز از حد و مرز است. از این رو هر چیزی که سبب تجاوز از حد گردد مانند شیاطین، بت‌ها و معبودان باطل، حاکمان جبار و هر مسیری که به غیر خدا منتهی شود، طاغوت نامیده می‌شود.<sup>(۱)</sup>

اجتناب از طاغوت، لازمه‌ی انابه و روی آوردن به خداست. چنانکه در

«آیه الكرسي» می‌خوانیم: ﴿فَمَنْ يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup>

□ مراد از عبادت طاغوت، اطاعت از ستمگران و طاغیان است. زیرا در حدیث می‌خوانیم: «مَنْ اطَاعَ جَبَّاراً فَقَدْ عَبَدَهُ»<sup>(۲)</sup> هرکس از ستمگری اطاعت کند، در حقیقت او را پرستیده است.

□ در آیه‌ی ۱۸ به کسانی که از بهترین سخنان پیروی می‌کنند، بشارت داده شده بود، در جای دیگر بهترین سخن را دعوت به خدا می‌داند، ﴿وَمَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ﴾<sup>(۳)</sup> و از آنجایی که پیامبر اسلام دعوت کننده‌ای آگاه و بابصیرت است، ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ﴾<sup>(۴)</sup> پس بهترین دعوت‌کننده به خداوند، رسول خدا می‌باشد. بنابراین باید از احسن گفته‌ها پیروی کرد که دعوت به خداست و بهترین دعوت به خدا، دعوت پیامبر اوست، پس پیروی از احسن، پیروی از وحی و ارشادهای رسول خدا ﷺ می‌باشد.

پیام‌ها:

۱- از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا، دوری و پرهیز از طاغوت‌هاست. ﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... فَبَشِّرْ عِبَادِ﴾

۲- اجتناب از طاغوت، مقدمه‌ی توجه به خداست. ﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ - أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ﴾

۳- شرط توبه، دوری از طاغوت است و اطاعت از طاغوت، مانع انابه و توبه می‌شود. ﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ - أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ﴾

۴- انتخاب احسن، آثار و برکات بسیار و بی‌شماری دارد. (کلمه‌ی ﴿بَشِّرْ﴾ مطلق است تا شامل انواع بشارت‌ها شود.)

۵- کسی می‌تواند از بهترین شنیده‌ها پیروی کند که به کلام توجه

۱. بقره، ۲۵۶. ۲. تفسیر مجمع‌البیان. ۳. فضیلت، ۳۳.

۴. یوسف، ۱۰۸.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

اولئك الَّذِينَ هَدِيَهُمُ اللَّهُ ﴿١٩﴾

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿٢٠﴾

پس آیا کسی را که حکم عذاب بر او حتمی شده است (می توانی هدایت کنی؟) آیا تو می توانی کسی را که در آتش است، رهایی بخشی؟

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾

ولی کسانی که از پروردگارشان پروا دارند، برایشان غرفه هایی (در بهشت) است که بالای آن غرفه ها، غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است، (این) وعده ی الهی است و خداوند در وعده اش خلاف نمی کند.

#### نکته ها:

- «غُرَف» جمع «غرفة» ساختمان و بنایی است که در طبقه ی بالا ساخته شود. همچنین به معنای آبی است که از محل خود بالا رود.
- پیامبر اکرم ﷺ برای هدایت افراد لجوج دلسوزی بسیاری داشت، لذا خداوند می فرماید: بیش از این خود را به رنج میاندار، زیرا که سنت خدا درباره این گروه، عذاب قطعی است و نجاتشان در اختیار تو نیست.

#### پیام ها:

- ۱- برخی انسان ها با عناد و لجاجت در گناه، روزنه های عفو الهی را به روی خود می بندند. ﴿حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ﴾
- ۲- انحراف، در حقیقت آتش است. زیرا به جای اینکه بفرماید: تو منحرفان را نجات نمی دهی، فرمود: تو نمی توانی کسی را که در آتش است، نجات دهی. ﴿تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ﴾
- ۳- بیم و امید باید در کنار هم باشند. در آیه ی ۱۶ خواندیم: ﴿لَهُمْ

کند، نه گوینده کلام و شخصیت زده نباشد. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ﴾

۶- انسان باید تحمل شنیدن سخنان دیگران را داشته باشد و دارای سعه صدر باشد. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ...﴾

۷- اسلام از طرح شدن سخنان دیگران دلهره ای ندارد. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ﴾

۸- عقل، حجت باطنی است و تقلید کورکورانه ممنوع است. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ﴾

۹- انتخاب احسن، مورد توجه قرآن است. ﴿يَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ﴾

۱۰- کسانی حق شنیدن هر سخنی را دارند که از نظر علمی و منطقی قدرت تشخیص احسن را داشته باشند. ﴿يَسْتَمْعُونَ... فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ﴾

۱۱- هر سخنی که فایده و حسنی در آن نباشد، شایسته استماع و شنیدن نیست. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ﴾

۱۲- به خوب بودن قانع نباشیم، بهتر بودن را دنبال کنیم. ﴿يَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ﴾

۱۳- هدایت الهی در انتخاب احسن است که آن نیز عنایت و توفیق الهی می خواهد. ﴿اولئك الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ﴾

۱۴- هدایت الهی شامل کسانی است که برای دست یابی به حقیقت وقت بگذارند و تلاش کنند تا از میان شنیده ها، بهترین را انتخاب و پیروی کنند. ﴿يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ... اولئك الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ﴾

۱۵- کسانی که بدون اندیشه و تحقیق، چشم و گوش بسته مکتبی را می پذیرند، خردمند نبوده و در حقیقت عاقل نیستند. ﴿اولوا الالباب﴾

۱۶- تنها راه مطمئن، انتخاب آگاهانه است. ﴿فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ...﴾

من فوقهم ظلل من النار»، لایه‌هایی از آتش بالای سر دوزخیان است و در این آیه می‌خوانیم: ﴿لهم غرف من فوقها غرف﴾، برای اهل تقوا غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌های دیگر است.

۴- بشارت و وعده‌های الهی، حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر است. ﴿وعدالله لا یخلف الله المیعاد﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ  
ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ  
يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین راه داد، سپس با آن، زراعتی که رنگ‌های گوناگونی دارد، بیرون می‌آورد، آنگاه آن کشت (و زراعت) با هیجان رشد می‌کند (تا آن که می‌خشکد) پس آن را زرد می‌بینی، سپس آن را به صورت کاه و خاشاک در می‌آورد، همانا در این (تغییر و تحوّل) برای خردمندان پند و یادآوری است (که بدانند دنیا ناپایدار است).

#### نکته‌ها:

□ «سلک» از «سلوک» به معنای دخول و نفوذ است و «یهیج» از «هیجان» به معنای حرکت تند و با جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت و نبات نسبت داده شود، به معنای آغاز زمان خشک شدن است. «حُطام» به معنای خرده‌های گیاه خشک شده و کاه است، «أَلْبَاب» جمع «لُبّ» به معنای مغز و عقل است. «یَنَابِيع» جمع «ینبوع» به معنای چشمه است.

#### نگاهی به قدرت و حکمت خداوند

تمام آفریده‌ها، نشانه‌ی قدرت خداست. کوه و دشت و دریا در زمین، و خورشید و ماه و ستارگان در آسمان؛ اما در میان آفریده‌ها، انسان ویژگی‌های خاصی دارد. خداوند چشم انسان را از پیه و گوش او را از استخوان نرم و زبان او را از گوشت، قرار داد. چه قدرتی می‌تواند از پیه، بینایی و از استخوان، شنوایی و از گوشت، سخن گفتن بیافریند؟ بسیاری از دست‌ساخته‌های بشر، پس از چند سال از کار می‌افتد؛ ولی اعضای بدن انسان، یک عمر کار می‌کند.

در طول تاریخ میلیاردها انسان به دنیا آمده‌اند؛ ولی خطوط سرانگشت حتی دو نفر از آنان مثل هم نبوده و نیست، در حالی که ماهرترین هنرمند هم بیش از چند نمونه، قدرت هنرنمایی ندارد.

انسان، از خاک جز خشت و آجر و سرامیک و... چیز دیگری تهیه نکرده است؛ ولی خداوند، از همین خاک در یک باغ، هم میوه شیرین مثل: خرما، هم میوه ترش مثل: لیموترش و هم ترش و شیرین مثل: انار و پرتقال به وجود می‌آورد.

در آیه‌ی ۴ سوره رعد می‌خوانیم: ﴿و فی الأرض قطع متجاورات﴾ در زمین قطعه‌هایی در کنار هم هستند، ﴿و جثّات من أعناب و زرع و نخیل﴾ و باغهایی از انواع انگور و کشتزار و درخت خرما، ﴿صنوان و غیر صنوان﴾ (میوه‌هایی) همانند و غیر همانند، ﴿یسقی بماء واحد﴾ که همه با یک آب آبیاری می‌شوند، ﴿و نفّضل بعضها علی بعض فی الاکل﴾ و بعضی میوه‌ها را در خوردن بر بعضی دیگر برتری دادیم، ﴿إنّ فی ذلک لآیات لقوم یعقلون﴾ همانا در این (تنوع طعم و رنگ و مزه) نشانه‌هایی از قدرت خداوند است برای کسانی که می‌اندیشند.

آری؛ برخی افراد میوه را فقط برای پر کردن شکم می‌خواهند؛ ولی خردمندان با دیدن این همه زیبایی و شگفتی، روح ایمان خود را تقویت

می‌کنند و قدرت خدا را در آن می‌بینند؛ زیرا از یک آب و خاک، نمی‌توان بیش از یک طعم، رنگ و مزه انتظار داشت، ولی قدرت خدا به گونه‌ای است که انواع مزه‌ها، رنگ‌ها، طعم‌ها و شکل‌ها را از آن بیرون می‌آورد. خداوند حکیم است؛ یعنی همه‌ی کارهای او به جا و صحیح و هدفدار است و کار بیهوده از او سر نمی‌زند.

### پیام‌ها:

- ۱- از کنار پدیده‌های طبیعی غافلانه نگذریم. ﴿اَلَمْ تَرَ﴾
  - ۲- یکی از راه‌های خداشناسی، تأمل و دقت در پدیده‌هاست. ﴿اَلَمْ تَرَ﴾
  - ۳- باران، منبع آب چشمه سارها و آب‌های زیر زمینی است. ﴿اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَ يَنْبِيعَ﴾
  - ۴- عوامل طبیعی نظیر باران بستر و مجرای اراده خداوند است. (رویاندن گیاهان کار خداست، ولی از طریق آب). ﴿يَخْرُجُ بِهِ زُرْعًا﴾
  - ۵- رنگ‌های گوناگون گیاهان، میوه‌ها و گل‌ها که از یک آب و خاک می‌روید، نشانه‌ی قدرت خداست. ﴿زُرْعًا مُّخْتَلِفًا اَلْوَانَهُ﴾
  - ۶- آفرینش همه‌ی پدیده‌ها، به اراده‌ی الهی است. ﴿يَجْعَلُهُ - يَخْرِجُ -﴾
  - ۷- خردمند کسی است که با اندیشه در آفریده‌ها، به سرچشمه هستی و هدف آن بیاندیشد. ﴿لَذِكْرُ لَوْلَى الْاِلٰهَابِ﴾
  - ۸- پندپذیری، نشانه عقل و خرد است. ﴿ذِكْرُ لَوْلَى الْاِلٰهَابِ﴾
- اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ لِاِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَىٰ نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوْبِهِمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٢﴾
- آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده

است، پس او با نور الهی قدم برمی‌دارد، (مثل کسی است که در تنگنای تعصب و لجاجت و غرور است؟ نه) پس وای بر آنان که از سنگدلی، یاد خدا نمی‌کنند. آنان در گمراهی آشکارند.

### نکته‌ها:

- «شرح صدر»، یعنی سینه باز، کنایه از آن است که روح انسان برای درک حقیقت پیچ و تاب ندارد و حق را به راحتی می‌پذیرد. اگر برخورد تلخی را دید، به راحتی می‌بخشد. اگر بنا شد از مال خود بگذرد، به راحتی انفاق می‌کند و این حالت، یک لطف الهی است که باید با دعا و کار خیر از خداوند درخواست کرد.
- در قرآن «شرح صدر» هم برای اسلام آمده که زمینه ساز رسیدن به نور الهی است، ﴿شرح الله صدره للإسلام...﴾ و هم برای کفر آمده که غضب و عذاب سخت الهی را در پی دارد. ﴿و لٰكُنْ مِنْ شَرِحٍ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللّٰهِ وَ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾<sup>(۱)</sup>
- نخستین دعای حضرت موسی (علیه السلام) بعد از پیامبر شدنش این بود: ﴿رَبِّ اشرح لی صدری﴾ پروردگارا! سینه‌ای گشاده و روح باز به من بده. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آلة الرياسة سعة الصدر»، کسی که مسئولیت و ریاستی می‌پذیرد، اولین ابزار کارش، روح بلند و وسعت روحی است که در آن تعصب، لجاجت، غرور و تکبر جای ندارد. همین که کاری را حق تشخیص داد، به راحتی آن را بپذیرد. محاسبات قومی، حزبی، قبیله‌ای، نژادی، عناوین، اقتصاد، سیاست، تبلیغات و سختی‌ها و... در مسیر حق او مانعی ایجاد نکند.
- خداوند روح افرادی را (که لیاقت دارند) برای پذیرش اسلام این گونه می‌گشاید و با این سینه باز، گویا بر مرکب نوری سوارند و به راحتی از

۱. نحل، ۱۰۶.

همه‌ی موانع عبور و راه حق را می‌پیمایند، اما گروهی که در اثر گناهان بی‌درپی، بی‌رحم و سنگدل شده و روح حق‌پذیری و یاد خدا را در خود کشته‌اند و از سعه صدر محروم شده‌اند، در انحراف آشکاری هستند.

□ به جای ضیق صدر و تنگدلی که مناسبت بیش‌تری با سعه‌ی صدر دارد، به سنگدلی تعبیر کرده، شاید برای اینکه ظرف تنگ، کمی نفوذپذیر است، ولی سنگدل هرگز نفوذپذیر نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- دین باوری و تسلیم بودن در برابر حق، به روحی بلند نیاز دارد که عطایی الهی است. ﴿شرح الله صدره للاسلام﴾
- ۲- کسی که شرح صدر دارد، با نور الهی حق و باطل را تشخیص می‌دهد. ﴿هو علی نور من ربّه﴾
- ۳- قساوت قلب، مانع تابش نور الهی بر قلب است. ﴿للقاسية قلوبهم﴾
- ۴- اهل تسلیم، همگی یک هدف و یک راه دارند، ولی منحرفان هر کدام هدفی دارند. (کلمه‌ی ﴿صدر﴾ که صفت اهل ایمان است، به صورت مفرد آمده ولی کلمه‌ی ﴿قلوبهم﴾ که برای سنگدلان است، به صورت جمع آمده است.)
- ۵- نور دل و سعه صدر از خدا، ﴿شرح الله صدره﴾ و گمراهی را خود انسان به وجود می‌آورد. ﴿للقاسية قلوبهم من ذكر الله﴾

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾

خداوند بهترین سخن را در قالب کتابی نازل کرد (که آیاتش) متشابه (و متشابه یکدیگر است). از (تلاوت آیات) آن، پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند به لرزه می‌افتد، سپس (با ایمان و اُنس) به یاد خدا پوست‌ها و دل‌های آنان نرم و آرام می‌شود، این است هدایت خدا که هر کس را بخواهد به آن هدایت می‌کند و هر کس را خداوند (به خاطر فسق و فسادش) گمراه کند، پس هیچ هدایت‌کننده‌ای برای او نیست.

### نکته‌ها:

- «حدیث» به معنای سخن و گفتار است و مراد از حدیث در این آیه، قرآن است و «احسن الحدیث» بودن قرآن شاید به خاطر جامعیت، حقانیت، استواری، فصاحت و بلاغت آن است.
- «متشابه» در اینجا به معنای آن است که تمام آیات هم وزن یکدیگرند و این گونه نیست که آیه یا سوره‌ای در سطح پایین و ضعیف باشد، ولی آیه و سوره دیگر در سطح بالا. به علاوه مطالب قرآن هماهنگ است و تضادی در آن نیست.
- «مثنائی» جمع «مثنیه» به معنای گرایش است، یعنی آیات قرآن به یکدیگر گرایش دارند و بعضی آیات، بعضی دیگر را تفسیر می‌کنند و به تعبیری دیگر یک مفهوم را در قالب الفاظی متفاوت تکرار می‌کنند و ممکن است جمع «مثنی» به معنی مکرر یا تکرار باشد.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، بهترین گفتار است و هیچ سخنی نیکوتر از آن نیست. ﴿احسن الحديث﴾ (زیرا صادق‌ترین سخن هاست، ﴿و من أصدق من الله حديثاً﴾<sup>(۲)</sup> و فصل الخطاب، ﴿أنه لقول فصل﴾<sup>(۳)</sup> و حرف آخر است. ﴿فبأى حديث بعده يؤمنون﴾<sup>(۴)</sup>)

۲. نساء، ۸۷.

۱. تفاسیر فرقان و نمونه.

۳. طارق، ۱۳. ۴. اعراف، ۱۸۵.

۲- تمام آیات قرآن به یکدیگر شباهت دارند و هیچ ناهماهنگی و تضادی در آنها نیست. ﴿متشابهاً﴾

۳- خدا ترسی، در سیما و ظاهر مؤمنان نمایان است و صورت آنان بیانگر سیرتشان است. ﴿تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ﴾

۴- مؤمن، با شنیدن آیات عذاب خوفناک، ﴿تَقْشَعْرُ﴾ و با شنیدن آیات رحمت سرشار از امید می گردد. ﴿ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ﴾

۵- قرآن، کتاب هدایت الهی است. ﴿كِتَابًا... ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ﴾

۶- خداوند، اسباب هدایت را برای همه فراهم کرده است، اما گروهی هدایت و گروهی گمراهی را انتخاب کرده اند. ﴿ذَلِكَ

هُدَى اللَّهِ... يَهْدِي... يَضِلُّ﴾

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾

پس آیا کسی که (با ایمان و عمل صالح) روی خود را از عذاب بد روز قیامت دور می سازد (مثل کسی است که از قهر الهی در قیامت غافل است)؟ و (در آن روز) به ستمگران گفته می شود:

«بچشید آنچه را کسب کرده اید.»

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

کسانی که پیش از این کفار بودند (نیز پیامبران را) تکذیب کردند، پس از راهی که توجّه نداشتند، عذاب به سراغشان آمد. پس خداوند خواری و رسوایی را در زندگی دنیا به آنان چشاندید و قطعاً عذاب آخرت بزرگتر است، اگر می دانستند.

## نکته ها:

□ کلمه «وجه» در «بوجهه»، در آیه ی ۲۴ شاید به معنای طریقه و راه باشد، نظیر آیه ی ﴿وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ مِنْهُ مَوْلًى﴾<sup>(۱)</sup> که به معنای صورت نیست. یعنی هر کس با وجهه و امکانات و قدرتی که دارد راه خود را از بدی ها جدا کرده و از خود رفع خطر کند.

□ آیه ی ۲۴ به صورت دیگری نیز ترجمه شده است: آیا کسی که در روز قیامت (دست بسته در معرض آتش است و) با صورت می خواهد سختی عذاب را از خود دور سازد، (همانند نجات یافتگان است؟ در آن روز) به ستمگران گفته می شود: «بچشید آنچه را کسب کرده اید».

## پیام ها:

۱- نتیجه ی تقوای الهی در این جهان، دور ماندن از قهر الهی در قیامت است. ﴿يَتَّقِي بِوَجْهِهِ﴾

۲- یکی از شکنجه های مجرمان، شنیدن سخنان تحقیر آمیز است. ﴿قِيلَ لِلظَّالِمِينَ﴾

۳- آنچه انسان را در قیامت گرفتار می کند، گناهانی است که آگاهانه انجام داده است. ﴿تَكْسِبُونَ﴾

۴- تاریخ پر عبرت کفار و طاغوت های گذشته، درس عبرتی برای آیندگان است. ﴿مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

۵- دست خدا در کیفر مجرمان باز است و می تواند از راه های پیش بینی نشده، آنان را عذاب کند. ﴿مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾

۶- همه ی کیفرها به قیامت موکول نمی شود و گاهی در دنیا نیز نمود پیدا می کند. ﴿الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾

۷- عذاب قیامت، سخت تر، مداوم تر و از هر جهت بزرگتر

است. ﴿لعذاب الاخرة اكبر﴾

۸- کفار و تکذیب کنندگان، سختی قیامت را نمی دانند که چنین عمل می کنند. ﴿كُؤُكَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

﴿۲۷﴾ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۲۸﴾

و همانا ما در این قرآن (برای هدایت مردم) از هر مثالی آوردیم، باشد که متذکر شوند. قرآنی عربی (و فصیح)، بی هیچ کجی، باشد که مردم پرهیزکار شوند.

پیام‌ها:

۱- تأثیر تمثیل و مثال در عموم مردم، از استدلال بیش تر است. ﴿ضربنا للناس﴾

۲- آن چه مهم است، راهنمایی و تذکر دادن به انسان هاست، با استدلال باشد یا با مثل. ﴿ضربنا للناس... من کل مثل﴾

۳- هر نوع مثالی که در رابطه با تذکر به انسان و غفلت زدایی اوست، در قرآن آمده است. ﴿کلّ مثل... يتذكرون﴾

۴- انسان دارای فطرت پاک و باورهای درونی است، ولی از آنها غافل می شود و غفلت زدایی، ضروری است. ﴿يتذكرون﴾

۵- قرآن کتابی خواندنی، پندآموز و نجات بخش است. ﴿هذا القرآن... قرآنًا عربيًّا﴾ (کلمه ی «قرآن» در دو آیه پی در پی، تکرار شده است).

۶- قرآن که احسن الحدیث است، دارای مثال، فصاحت و شفافیت در محتواست که بیانگر نشانه های بهترین سخن است. ﴿ضربنا للناس من کلّ مثل﴾

۷- کتاب هدایت، باید فصیح و شفاف باشد. ﴿عربیًّا﴾ به معنای

«فصیحاً» است.

۸- هر نوشته ای معمولاً قابل تغییر و نیازمند پیرایش و تکامل است و دیر یا زود اشکالات آن ظاهر می شود، مگر قرآن که کامل و بی اشکال است. ﴿غیر ذی عوج﴾

۹- تقوا، در گرو توجه و تذکر دائمی است. ﴿لعلهم يتذكرون... لعلهم يتقون﴾ (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است).

۱۰- در تلاش های فرهنگی و دینی، احتمال اثر کافی است و یقین صد در صد به تأثیر کار لازم نیست. ﴿لعلهم يتذكرون﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَابِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ

هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۹﴾

خداوند (برای توحید و شرک) مثلی زده است: بنده ای که چند مالک ناسازگار در مالکیت او شریک باشند (و دستورات متضاد به او بدهند) و بنده ای که تنها مطیع یک نفر است (و فقط از او دستور می گیرد) آیا این دو در مثل یکسانند؟ حمد و ستایش مخصوص خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

نکته ها:

□ در آیات قبل فرمود: ما در قرآن از هر مثالی آوردیم تا مردم متذکر شوند، این آیه یکی از بهترین مثال هایی است که سیمای مشرکان سرگردان را نشان می دهد.

مثال این آیه نظیر مثالی است که حضرت یوسف برای مشرکان زندانی مطرح کرد و گفت: ﴿ءارباب متفرقون خيرٌ أم الله الواحد القهار﴾<sup>(۱)</sup> آیا اربابان متعدد بهتر است یا خدای یکتای همیشه پیروز؟

□ «متشاکسون» به معنای شریک های بد اخلاقی است که همیشه با

۱. یوسف، ۳۹.



یکدیگر مشاجره دارند.

آری، رهبران توحید در سایه‌ی ایمان به خدا، در برابر تمام ابرقدرت‌ها شجاعانه می‌ایستند و فقط به وظیفه‌ی الهی خود عمل می‌کنند، ولی رهبران غیر موحد، ترسو هستند و هر روز با تهدید و تطمیع در کنار یکی قرار می‌گیرند تا شاید آرام باشند.

### پیام‌ها:

۱- موحد تنها در فکر رضایت خدای یگانه است، ولی مشرک هر لحظه به فکر راضی کردن چند نفر است. ﴿فیه شرکاء - سَلْمًا لِّلرَّجْلِ﴾

۲- در مباحث دینی و خداشناسی، استفاده از مثال و تشبیه مانعی ندارد، چنانکه در این آیه تسلیم بودن در برابر خدا، به تسلیم بنده در برابر مولایش تشبیه شده است. ﴿سَلْمًا لِّلرَّجْلِ﴾

۳- جز خدا و راه خدا، همه‌ی افراد و راه‌ها به تضاد و تزاحم می‌انجامد، زیرا خواسته‌ها و سلیقه‌ها بسیار متفاوت است. ﴿شُرکاء متشاکسون﴾

۴- یکی از موارد لزوم شکر و ستایش، وجود تفاوت‌ها و روشن شدن حقایق است. ﴿هل یستویان - الحمد لله﴾

۵ - تفاوت آرامش مؤمن و تحیر مشرک، نزد عقل و فطرت روشن است. ﴿هل یستویان﴾

۶- اکثر مردم از آفات شرک ناآگاهند. ﴿یل اکثرهم لا یعلمون﴾

إِنَّكَ مِيتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

بدون شک تو خواهی مُرد و آنان (نیز) مردنی هستند. سپس شما روز

قیامت نزد پروردگارتان به مخاصمه و جدال خواهید پرداخت.

### نکته‌ها:

□ یک نمونه از مخاصمه‌ی مردم در قیامت: مستضعفان گمراه به مستکبران می‌گویند: ﴿لولا انتم لکنّا مؤمنین﴾<sup>(۱)</sup> اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم. رهبران کفر، به گمراهان می‌گویند: ﴿قالوا بل لم تکنوا مؤمنین﴾<sup>(۲)</sup> شما خود اهل ایمان نبودید. و نیز می‌گویند: ﴿أنحن صددناکم عن الهدی﴾<sup>(۳)</sup> آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم؟

□ در قیامت مراحل مختلفی وجود دارد:

در یک مرحله، مردم با هم مخاصمه می‌کنند. ﴿تختصمون﴾

در مرحله‌ای از مخاصمه نهی می‌شوند. ﴿لا تختصموا لدی﴾<sup>(۴)</sup>

در مرحله‌ی دیگر، بر لب‌ها مهر می‌خورد. ﴿نختم علی افواههم﴾<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

۱- سنت‌های الهی در مورد همه، حتی در مورد پیامبر اسلام که حبیب خداست، جاری می‌شود. ﴿أنک میّت﴾

۲- پیامبران در زندگی عادی، مثل دیگران هستند. ﴿أنک میّت﴾

۳- با عزیزان نیز با صراحت صحبت کنید. ﴿أنک میّت﴾

۴- برای بیان پیام‌های تلخ و تند، ابتدا از خودی‌ها شروع کنید. ﴿أنک میّت و انهم میّتون﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ  
فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

پس کیست ظالم‌تر از کسی که بر خداوند دروغ بزند و چون سخن راست (قرآن) برایش بیاید، تکذیب کند؟ آیا برای کافران در دوزخ جایگاهی نیست؟

۱. سبأ، ۳۱. ۲. صافات، ۲۹. ۳. سبأ، ۳۲.  
۴. ق، ۲۸. ۵. یس، ۶۵.

## نکته‌ها:

□ مراد از «صدق» در آیه، سخن خداوند است که بر پیامبر وحی شد و به صورت قرآن به مردم عرضه شده است.

□ «مثنوی» از «ثواء» به معنای محلّ اقامت دائمی است.

## پیام‌ها:

- ۱- ظلم به مذهب و فرهنگ جامعه، از بدترین ظلم‌هاست. ﴿فَنَظْلَمُ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ﴾
- ۲- کافران بدون هیچ فکر و درنگ و تأملی، تا حرف حق را می‌شنوند آن را تکذیب می‌کنند. ﴿كَذَّبَ... إِذْ جَاءَهُ﴾
- ۳- در روش تبلیغ، با سؤال وجدان‌ها را بیدار کنید. ﴿فَنَظْلَمُ... أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ﴾

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾

و کسی که سخن راست (قرآن را) آورد و آن را تصدیق کرد، آنانند همان تقوایپیشه‌گان. برای آنان نزد پروردگارشان هرچه بخواهند فراهم است، این است پاداش نیکوکاران.

## نکته:

□ در قرآن، صدق و راستی ابعاد گوناگونی دارد:

الف. صدق در سخن و گفتار. ﴿جاء بالصدق﴾ (آیه‌ی مورد بحث)

ب. صدق در وعده و قرار. ﴿انه كان صادق الوعد﴾<sup>(۱)</sup>

ج. صدق در عهد و پیمان. ﴿صدقوا ما عاهدوا الله عليه﴾<sup>(۲)</sup>

د. صدق در عمل و رفتار. ﴿اولئك الذين صدقوا﴾<sup>(۳)</sup>

و کسی که در همه‌ی ابعاد، صداقت لازم را داشته باشد، «صدیق» نامیده می‌شود.

## پیام‌ها:

- ۱- مبلغ دین، آن‌گاه مورد ستایش است که خود نیز به آن چه می‌گوید، عمل کند. ﴿جاء بالصدق و صدق به﴾
- ۲- تبلیغ دین، مخصوص پیامبر نیست. ﴿جاء بالصدق... اولئك﴾ (کلمه‌ی «اولئك» آمده نه «هو»). چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني﴾<sup>(۱)</sup> من و هرکس از من تبعیت می‌کند، با بصیرت و آگاهی کامل دیگران را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

۳- یکی از نشانه‌های پرهیزکاران، تبلیغ پیام الهی است. ﴿جاء بالصدق... متقون﴾

۴- وسیله‌ی دریافت نعمت‌ها در بهشت، اراده و خواست بهشتیان است. ﴿لهم ما يشاؤون﴾

۵- الطاف الهی در بهشت محدودیت ندارد. ﴿لهم ما يشاؤون﴾

۶- متقین، اهل نیکوکاری هستند. ﴿هم المتقون - المحسنين﴾

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ

الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾

تا خداوند (در سایه‌ی ایمان و صداقت آنان) بدترین کارهایی که

مرتکب شده‌اند را از آنها بپوشاند و آنان را به بهترین اعمالی که

انجام می‌داده‌اند، پاداش دهد.

۱. یوسف، ۱۰۸.

۳. بقره، ۱۷۷.

۲. احزاب، ۲۳.

۱. مریم، ۵۴.

## پیام‌ها:

- ۱- از پاداش‌های مبلغان دین، عفو الهی و گذشت از لغزش‌های آنان است. ﴿جاء بالصدق و صدق به... ليكفر الله عنهم﴾
- ۲- از لطف الهی همین بس که بدترین گناهان را می‌پوشاند ﴿ليكفر الله عنهم﴾ و کارهای خوب را به نحو احسن پاداش می‌دهد. ﴿يجزيهم اجرهم باحسن...﴾
- ۳- پاک شدن از گناه و آثار آن، مقدمه‌ی دریافت الطاف الهی است. (اول ﴿يُكْفِّرُ﴾ بعد ﴿يجزيهم﴾)
- ۴- خداوند پاداش پرهیزکاران نیکوکار را به بهای بهترین کارشان می‌دهد. (کار متوسط آنان را نیز پاداش بهترین کار می‌دهد). ﴿بأحسن الذي...﴾

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

آیا خداوند برای بنده‌اش کافی نیست؟ و مردم تو را از غیر خدا می‌ترسانند و هر که را خدا گمراه کند، پس هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود. و هر کس را که خداوند هدایت کند، پس هیچ گمراه‌کننده‌ای برای او نیست، آیا خداوند، نفوذناپذیر و صاحب انتقام نیست.

## نکته‌ها:

- بت پرستان به پیامبر اسلام می‌گفتند: اگر بت‌های ما را تحقیر کنی، به تو بلا و آزار می‌رسد. این آیه نازل شد و به حضرت دل‌داری داد که: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾

□ قرآن، با تعبیرهای گوناگونی مصونیت پیامبر اکرم ﷺ را از انواع

توطئه‌ها مطرح کرده است: نظیر آیه‌ی ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup>، خداوند تو را از شرّ مردم حفظ می‌کند. ﴿أَنَا كَفِينَاكَ الْمُسْتَهِزِّينَ﴾<sup>(۲)</sup>، همانا ما تو را در برابر مسخره‌کنندگان کفایت می‌کنیم. چنانکه خداوند پیامبران دیگرش را نیز محفوظ داشت: نوح را از غرق شدن، ابراهیم را از آتش، موسی را از خطر فرعون و عیسی را از دار زدن حفظ کرد.

□ با آنکه خداوند هدایت‌گران و زمینه‌های هدایت انسان را به وجود آورده، اما سرانجام انسان است که یا راه هدایت را انتخاب می‌کند یا انحراف و گمراهی را. بنابراین، مقدمات و زمینه‌سازی دریافت هدایت الهی یا محروم شدن از آن، به دست انسان است. چنانکه در آیات دیگر می‌خوانیم: ﴿يَهْدِي اللَّهُ مَنْ يَنْبِي﴾<sup>(۳)</sup>، خداوند اهل انابه را هدایت می‌کند. ﴿لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾<sup>(۴)</sup>، خداوند اسراف‌کاران دروغگورا هدایت نمی‌کند.

□ وظیفه‌ی ما در هر شرایطی بندگی خداست. در حدیث می‌خوانیم: «مَنْ أَصْبَحَ وَهُوَ هَمٌّ وَاحِدٌ كَفَاهُ اللَّهُ هُمُومَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>(۵)</sup> کسی که همه‌ی تلاش و همتش بندگی خدا باشد، خداوند خواسته‌های دنیا و آخرتش را برآورده می‌کند.

## پیام‌ها:

- ۱- اگر انسان بنده‌ی خدا شد، بیمه می‌شود و خداوند امور او را کفایت و کفالت می‌کند. ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾
- ۲- در برابر تهدیدهای دشمنان، با یاد امداد و یاری خداوند، خود را آرام کنیم. ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ﴾
- ۳- ابزار کافران، ایجاد فضای رعب و وحشت است. ﴿يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾

۱. مانده، ۶۷. ۲. حجر، ۹۵. ۳. شوری، ۱۳.  
۴. غافر، ۲۸. ۵. تفسیر روح البیان.

۴- هدایت و ضلالت به دست خداست. ﴿يُضِلُّ اللَّهُ - يَهْدِي اللَّهُ﴾  
 ۵- از کمی تعداد و امکانات نترسید، که اگر بنده‌ی او باشید هیچ قدرتی بر شما اثرگذار نیست. ﴿فَالَهُ مِنْ مِضْلٍ﴾  
 ۶- انسان موجودی است که می‌تواند در گمراهی به جایی برسد که هیچ راهنمایی در او اثرگذار نباشد، ﴿فَالَهُ مِنْ هَادٍ﴾ و در ایمان به جایی برسد که هیچ چیزی او را منحرف نسازد. ﴿فَالَهُ مِنْ مِضْلٍ﴾  
 ۷- گمراه شدن انسان از سوی خداوند، کیفر عملکرد خود انسان است. ﴿ذِي انتِقَامٍ﴾  
 ۸- حمایت خداوند گاهی در قالب یاری و حمایت از بندگان است، ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾<sup>(۱)</sup> و گاهی در قالب انتقام از مخالفان. ﴿ذِي انتِقَامٍ﴾

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾

و اگر از آنان (مشرکان)، سؤال کنی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» قطعاً خواهند گفت: «خدا». بگو: «پس آیا در آن چه از غیر خدا می‌خوانید، نظر و اندیشه کرده‌اید؟! (راستی) اگر خداوند نسبت به من ضرری را اراده کند، آیا این بت‌ها می‌توانند آن ضرر را برطرف کنند، یا (اگر) خداوند برای من لطف و رحمتی را بخواهد، آیا آنها می‌توانند مانع آن رحمت شوند؟» بگو: «خداوند برای من کافی است. اهل توکل تنها بر او توکل می‌نمایند.»

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «ضُرٌّ» در برابر رحمت، به معنای هر گونه گرفتاری است.
- ضمیر «هُنَّ» برای مؤنث است و در این جا برای بت‌ها به کار رفته، زیرا عرب‌ها بت‌های بزرگ را به نام مؤنث می‌خواندند. نظیر: «لات»، «مناة»، «عزّی»
- در قرآن بارها از اعتقاد مشرکان به خالق بودن خداوند سخن به میان آمده است. علاوه بر آیه‌ی مورد بحث، بنگرید به: سوره عنکبوت، آیات ۶۱ تا ۶۳ و سوره لقمان آیه‌ی ۲۴ و سوره زخرف آیات ۹ و ۸۷.

### پیام‌ها:

- ۱- بت پرستان خالقیّت خداوند را قبول داشتند. (لکن برای بت‌ها نقش ربوبیّت و مدیریت و نظارت و شفاعت قائل بودند). ﴿لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾
- ۲- بت‌ها هیچ نقشی در برابر اراده‌ی خداوند ندارند. ﴿هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ﴾
- ۳- کسی لایق پرستش است که قدرتِ رساندن هر سود یا دفع هر زیانی را داشته باشد. ﴿هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ﴾
- ۴- دفع ضرر، مهم‌تر از جلب منفعت است. ﴿كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ﴾ قبل از ﴿مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ﴾ آمده است.
- ۵- استمداد و توکل کردن، تنها بر خداوند مجاز است. (کلمه‌ی ﴿علیه﴾ قبل از ﴿یتوکل﴾ آمده که بیانگر انحصار است).
- ۶- خداوند از هر جهت پیامبرش را حمایت و کفایت می‌کند. ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾ (﴿حَسْبِيَ﴾ مطلق آمده که شامل همه چیز است، همه‌ی خطر‌ها را از او دور و او را به همه‌ی اهدافش می‌رساند).

قُلْ يَا قَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

بگو: «ای قوم من! شما بر اساس موضع (و مقام یا قدرت) خود عمل کنید، من نیز (به وظیفه‌ی خود) عمل می‌کنم، پس در آینده‌ی نزدیکی خواهید دانست که عذاب خوار کننده (دنیا) به سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب پایدار (قیامت) بر او نازل خواهد شد».

#### نکته‌ها:

- از جمله‌ی «فسوف تعلمون»، استفاده می‌شود که فرمان «اعملوا» (یعنی هر کاری می‌خواهید، بکنید)، نشانه‌ی تهدید و برای قهر و توبیخ است، نه ترخیص و اجازه. مثلاً زمانی که دکتر می‌گوید: هرچه بیمار می‌خواهد بخورد، این نشانه‌ی سلامتی بیمار نیست، بلکه گاهی این نشانه آن است که دکتر از خوب شدن بیمار مأیوس شده است.
- «مکانت» به معنای مقام و منزلت است که در امور غیر حسّی به کار می‌رود، همان گونه که کلمه‌ی «مکان» در مورد محسوسات به کار می‌رود، البته ممکن است از «مُکنت» به معنای توانایی و قدرت باشد.
- مراد از «عَذَابٌ يُخْزِيهِ» عذاب دنیا و مراد از «عَذَابٌ مُّقِيمٌ» عذاب آخرت است.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- رهبر باید با وجود محبّت، برخورد قاطع داشته باشد. («یا قوم» نشان محبّت و «سوف تعلمون» نشان قاطعیّت است).
- ۲- ایمان و توکل بر خداوند، پشتوانه‌ی موضع‌گیری در برابر دشمنان است. «حسبی الله علیه یتوکل... سوف تعلمون» کسی که ایمان و توکل بر خدا دارد، می‌تواند محکم برخورد کند. نظیر

کودکی که دست در دست پدر شجاع و قوی خود دارد، می‌تواند در برابر تهدیدهای بی‌چه‌ها محکم برخورد کند. امروزه کشورهایی که رهبرانی بدون ایمان و توکل دارند، خود و ملتشان را اسیر و ذلیل قدرت‌های بزرگتر می‌کنند و با کوچک‌ترین تهدید، از موضع خود عقب‌نشینی می‌کنند.

- ۳- هر کس در گرو کار خویش است. «اعملوا - انی عامل»
  - ۴- رهبران الهی، از موضع برحق خود ذره‌ای عقب‌نشینی نداشتند و کفّار را از سازش مأیوس می‌کردند. «انی عامل»
- إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن ضَلَّٰ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِا وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾
- همانا ما برای (هدایت) مردم، کتاب (آسمانی قرآن) را به حقّ بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت را پذیرفت به سود خود اوست و هر که گمراه شد، پس بی‌شک به ضرر خویشتن (قیام کرد و) گمراهی را برگزید و تو وکیل بر مردم نیستی (تا با اجبار آنان را هدایت کنی).

#### نکته:

- بر خلاف کسانی که گمان می‌کنند مطالبی بر پیامبر ﷺ القا می‌شد و آن حضرت آنها را با عبارات خود به مردم القا می‌کرد، خداوند، عین کلمات کتاب را، نازل شده از غیب می‌داند. «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ»

#### پیام‌ها:

- ۱- قرآن در زمان پیامبر به صورت کتاب بوده است. «الکتاب»
- ۲- نزول کتاب برای همه‌ی مردم است. «للناس»
- ۳- هم مطالب قرآن سراسر حقّ و هیچ تحریف و باطلی در آن راه ندارد و هم نزول آن، لازم و سزاوار و حقّ است. «بالحقّ»
- ۴- انسان در انتخاب راه آزاد است. «مَن اهْتَدَىٰ - مَن ضَلَّ» (خدا

۱. تفسیر المیزان.

کسی را بر ایمان و کفر مجبور نمی‌کند).

۵ - خدا و رسول، به ایمان ما نیازی ندارند. «فَن اهتدیٰ

فلنفسه...» (و هر کس ایمان آورد، به سود خود اوست).

۶- وظیفه‌ی پیامبر ابلاغ است، نه اجبار. (حتیٰ انبیا حقّ تحمیل

عقیده ندارند). «و ما انت علیهم بوكیل»

۷- هدایت واقعی و کامل تنها در سایه‌ی کتاب آسمانی است.

«إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ... فَن اهتدیٰ»

۸- خداوند پیامبرش را در برابر سرسختی کفار، دلداری و

تسلّی می‌دهد. «و ما انت علیهم بوكیل»

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا

فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ

مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

خداوند است که جان‌ها را به هنگام مرگشان به طور کامل می‌گیرد، و

(جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می‌گیرد)، پس آن را که

مرگ بر او قطعی شده، نگاه می‌دارد و جان‌های دیگر را (که مرگش فرا

نرسیده) برای مدتی معین (به جسم آنان) باز می‌گرداند. بی شک در این

(گرفتن و دادن روح هنگام خواب و بیداری)، برای گروهی که فکر

می‌کنند، نشانه‌هایی بزرگ (از قدرت خدا) وجود دارد.

**نکته‌ها:**

□ «يَتَوَفَّى» از «وَفَى» به معنای ادای کامل امری است و در مورد مرگ به

معنای گرفتن جان به طور کامل است.

□ سؤال: در آیه ۶۱ سوره‌ی انعام می‌فرماید: «تَوَفَّاهُ رُسُلُنَا» فرشتگان

ما جان را می‌گیرند و در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی سجده می‌فرماید: «يَتَوَفَّاكُم

مَلَائِكَةُ الْمَوْتِ» ملک الموت جان شما را می‌گیرد و این آیه می‌فرماید: خدا

جان‌ها را می‌گیرد، کدام صحیح است؟

پاسخ: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند برای عزرائیل «ملك الموت»

یاورانی از فرشتگان قرار داده که جان مردم را می‌گیرند و تحویل او

می‌دهند و او جانها را با آنچه خودش گرفته به خدا تحویل می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

□ سؤال: هنگام مرگ که روح از بدن جدا می‌شود، کجا می‌رود؟

پاسخ: هنگام مرگ، روح به بدنی مثل همین بدن که نامش قالب مثالی

است، ملحق و در برزخ با آن بدن، کامیاب یا عذاب می‌شود و در خواب

نیز، روح با همان بدن سبک و قالب مثالی خواب و رؤیا می‌بیند.

□ جسم انسان در حکم یک اتومبیل و روح در حکم راننده‌ی آن است؛

گاهی هم ماشین روشن است و هم راننده پشت فرمان نشسته که این،

حالت بیداری است.

گاهی ماشین روشن است، ولی راننده پیاده می‌شود و می‌رود که این،

حالت خواب است. زیرا قلب و معده و کلیه کار می‌کنند، ولی روح جدا

می‌شود و به بدنی مشابه ملحق شده و به اطراف می‌رود. این همان

بدنی است که ما در رؤیاهای خود با آن سیر و سفر می‌کنیم و قالب

مثالی نام گذاری شده و به قدری سبک و چابک است که بدون واسطه

می‌تواند در آسمان‌ها پرواز و در اقیانوس‌ها شنا و در یک لحظه به

اطراف دنیا برود.

گاهی هم ماشین خاموش و هم راننده جدا می‌شود که این، حالت مرگ

است.<sup>(۲)</sup>

□ در سخنان پیشوایان دینی نیز مرگ و قیامت، به خواب و بیداری تشبیه

شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «والله کما تنامون تموتون و کما

۱. بحار، ج ۶، ص ۱۴۴.

۲. اینجانب در کتاب معاد در بحث برزخ در این زمینه مطالبی آورده‌ام.

تستقیظون تبعثون»<sup>(۱)</sup> به خدا سوگند! همان گونه که می خواهید می میرید و همان گونه که بیدار می شوید زنده می گردید.

لقمان حکیم به فرزندش می گفت: «اگر قدرت داشتی که خواب و بیداری را از خود دور کنی، خواهی توانست مرگ و معاد را هم از خود دور کنی!»<sup>(۲)</sup>

### پیام ها:

- ۱- جسم و روح، دو حقیقت مستقل هستند و به هنگام مرگ یا خواب از هم جدا می شوند و روح پس از مرگ نزد خدا باقی می ماند. ﴿اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنفُسَ﴾
- ۲- مرگ و خواب، در خروج روح از بدن همانند یکدیگرند. ﴿حِينَ مَوْتِهَا - فِي مَنَامِهَا﴾
- ۳- اگر بدانیم که هر شب جان می دهیم، از غرور و غفلت و گناه فاصله می گیریم. ﴿وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾
- ۴- مرگ و حیات ما به دست خداست. زیرا خداوند گرفتن و نگهداشتن و پس دادن روح را به خود نسبت داده است. ﴿اللّٰهُ يَتَوَفَّى - قَضَىٰ عَلَيْهِمُ الْمَوْتَ - يَرْسِلُ...﴾
- ۵ - هیچ کس برای همیشه زنده نمی ماند و برای همه زنده ها، زمانی معین شده است. ﴿اَجَلٍ مُّسَمًّى﴾
- ۶- خواب و بیداری برای همه ی انسان هاست، ولی تنها اهل فکر از آن درس می گیرند. ﴿لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾

آیا مشرکان به جای خدا، (بت ها را) شفیعان گرفته اند؟! بگو: «آیا اگر مالک هیچ چیز نباشند و قدرت تعقل نداشته باشند (باز هم شفیع شما خواهند بود)؟»

### نکته ها:

- شفیع باید برای شفاعت، از جانب خدا اجازه داشته باشد، ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾<sup>(۱)</sup> اما بت ها چه اجازه ای دارند؟ شفیع باید محبوب و مورد رضای خدا باشد و بت ها چنین نیستند.
- در آیه ۱۸ سوره ی یونس می خوانیم که مشرکان می گویند: ﴿هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا﴾ این بت ها شفیعان ما هستند و در آیه ۳ همین سوره خواندیم که می گویند: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ پرستش بت ها به خاطر آن است که بت ها ما را به خدا نزدیک کنند و شفیعان ما باشند. این آیه می فرماید: چگونه از موجوداتی که نه عقل دارند و نه قدرت، انتظار کمک دارید؟! ﴿كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ﴾
- ما که به امامان معصوم علیهم السلام متوسل می شویم و از آنان استمداد و شفاعت می طلبیم به خاطر آن است که فهم و درک آنان از آیات و روایاتی که حیات برزخی را برای اولیای خدا ثابت می کند، فهمیده ایم و قدرت آن بزرگواران را از دیدن هزاران نمونه ی عملی در استجاب دعا و معجزات و کرامات باور کرده ایم.

### پیام ها:

- ۱- برخی مشرکان، بت ها را خدا نمی دانستند، بلکه شفیع و واسطه ی درگاه خدا می شمردند. ﴿اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ﴾
- ۲- واسطه ی میان انسان و خدا باید نیاز را بفهمد و قدرت کمک کردن داشته باشد و بت ها چنین نیستند. ﴿لَا يَمْلِكُونَ - لَا يَعْقِلُونَ﴾

۲. تفسیر مخزن العرفان.

۱. تفسیر مخزن العرفان.

۱. بقره، ۲۵۵.

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾

(ای پیامبر! به آنان) بگو: «تمام شفاعت‌ها (در دنیا و آخرت) برای خداست، برای اوست حکومت و فرمانروائی آسمان‌ها و زمین، سپس به سوی او برگردانده می‌شوید.»

**نکته:**

□ سؤال: مگر مهر و محبت دیگران بیش از خداوند است که خداوند اراده‌ی عذاب کند، ولی شفاعت کنندگان مانند دایه‌ی مهربان‌تر از مادر، شفاعت کنند؟

پاسخ: این آیه می‌فرماید: همه‌ی شفاعت‌ها مخصوص خداست و اگر پیامبر و امامی شفاعت و دلسوزی و مهربانی می‌کند، سرچشمه‌ی همه‌ی لطف‌ها و مهرها از ذات مقدس او و به اذن اوست، ﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَذْنِهِ﴾<sup>(۱)</sup> ولی مسیر آن لطف‌ها از طریق اولیای الهی است. ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾

**پیام‌ها:**

۱- روش تربیتی قرآن، آن است که تمام انگیزه‌های فاسد را از بین ببرد و همه‌ی انگیزه‌ها را در خداجویی متمرکز کند. لذا به کسانی که به طرف این و آن می‌روند تا عزیز شوند، می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾<sup>(۲)</sup> تمام عزت‌ها از آن خداست، چراگرد دیگری می‌گردید؟! به کسانی که سوی این و آن می‌روند تا قدرتی پیدا کنند، می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾<sup>(۳)</sup> تمام قدرت‌ها از آن خداست، به کسانی که به سمت این و آن می‌روند تا آنان برایشان واسطه‌گری کنند، می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾

۲- آفرینش و همه‌ی عوامل دخیل در آن، به دست خداست. ﴿لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ... لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ﴾

وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾

و هرگاه فقط از خدا یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند متنفّر می‌شود، و هرگاه از غیر او یاد شود، بی‌درنگ شادمان می‌شوند.

**نکته‌ها:**

□ گرچه مخاطبان این آیه کسانی هستند که به آخرت ایمان ندارند، اما در میان مسلمانان نیز افرادی هستند که از اسلام ناب، نگرانی و تنفّر دارند؛ همین که می‌گوییم: «قصاص، قانون الهی است»، چهره‌شان درهم می‌شود، ولی همین که می‌گوییم: «حقوق بین الملل» لبخند می‌زنند. هرگاه به نماز می‌ایستند که تنها مخاطبشان خداست؛ روحشان متنفّر است، ولی هرگاه سخنرانی یا تدریس می‌کنند که مخاطبشان غیر خداست، با تمام توجه و نشاط سخن می‌گویند.

□ مشابه این آیه، آیه ۴۶ سوره‌ی اسراء است که می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا ذُكِرَ رَبُّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾، هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند.

**پیام‌ها:**

۱- ایمان و باور خود را نسبت به آخرت، با تنفّر یا توجه خود نسبت به احکام خداوند بیازماییم. ﴿اشْمَأَزَّتْ... یَسْتَبْشِرُونَ﴾  
۲- میان توحید و معاد، رابطه‌ی تنگاتنگی است. ﴿ذُكِرَ اللَّهُ... اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾

۳- ذکر خدا که مایه‌ی آرامش دل‌هاست، برای گروهی مایه‌ی

۱. یونس، ۱۰. ۲. یونس، ۶۵. ۳. بقره، ۱۶۵.



آزار و اذیت می شود. «اشمأزت»

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ  
أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾

بگو: «خداوند! ای آفریدگار آسمان و زمین! و ای دانای غیب و شهود! تویی که در میان بندگان در آن چه همواره اختلاف می کنند، داوری خواهی کرد.»

پیام ها:

- ۱- مبلغان و رهبران دینی که در برابر کفار سرسخت قرار می گیرند، باید همواره از خدا استمداد بگیرند. «قُلِ اللَّهُمَّ»
- ۲- در برابر افرادی که به غیر خدا دل سپرده اند و از بردن نام خدا تنفر دارند، به خدا توجه کنیم. «اشمأزت - قُلِ اللَّهُمَّ»
- ۳- با آنکه هستی از اوست، «فاطر السموات و الارض» و غیب و شهود را تنها او می داند، «عالم الغیب و الشهادة» و سرنوشت و فرجام همه به دست اوست، «أنت تحكم بين عبادك»، برخی به غیر خدا دلشاندند؟! «من دونه اذا هم يستبشرون»
- ۴- داوری خداوند در قیامت، بر اساس علم او به آشکار و نهان است. «عالم الغیب و الشهادة... تحكم بين عبادك»
- ۵- آفرینش آسمان ها، مهم تر از آفرینش زمین است. «السموات و الارض» (در قرآن، نام آسمان پیش از نام زمین آمده است.)
- ۶- خداوند به پنهان و آشکار همه چیز آگاه است. «عالم الغیب و الشهادة»
- ۷- اختلاف میان مشرکان و موحدان همیشه خواهد بود. «كانوا فيه يختلفون»
- ۸- مردم با همه ی اختلافاتی که دارند بنده ی او هستند. «عبادك

فیما كانوا فيه يختلفون»

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ  
لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا  
لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

و کسانی که ستم کرده اند، اگر تمام آن چه را که در زمین است و مانند آن را با آن مالک باشند، در روز قیامت برای نجات از عذاب سخت الهی همه ی آن را فدیة بدهند (برای آنها سودی ندارد).  
برای آن ستمگران از سوی خداوند چیزهایی روشن و ظاهر می شود که هرگز در محاسباتشان پیش بینی نمی کردند.

نکته ها:

□ کلمه ی «لو» در مواردی بکار می برود که کار نشدنی است. مثلاً می گوئیم: «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا»<sup>(۱)</sup> اگر در زمین و آسمان خدایان دیگری بود، ولی نیست. یا در جای دیگر می خوانیم: «لو كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ»<sup>(۲)</sup> ای پیامبر! اگر تو بد اخلاق بودی، ولی این چنین نیستی. در این آیه نیز می خوانیم: اگر ستمگران دو برابر سرمایه زمین را داشتند و فدیة می دادند سودی نداشت، ولی آنان چنین امکان و فرصتی ندارند.

□ در قیامت، برای مؤمنان سحرخیز پاداش هایی ظاهر خواهد شد که آخدی بر آن آگاه نیست، «فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قوّة اعين»<sup>(۳)</sup> و برای ستمکاران نیز مسایلی ظاهر می شود که هرگز فکر نمی کردند، «و بدا لهم من الله ما لم يکونوا یحتسبون» و در آن روز به انسان گفته می شود: تو غافل بودی و امروز پرده را برداشته ایم و تیزبین شده ای.<sup>(۴)</sup>

۱. انبیاء، ۲۲. ۲. آل عمران، ۱۵۹. ۳. سجده، ۱۷.

۴. ق، ۲۲.

### پیام‌ها:

- ۱- در قیامت هیچ کس صاحب مال و ثروتی برای نجات خود نیست. ﴿لَوْ﴾
- ۲- در دادگاه الهی، هیچ چیز مانع محکومیت مجرمان نیست. ﴿تَحْكُم بَيْنَ عِبَادِكَ - لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا...﴾
- ۳- غریزه‌ی حبّ ذات بر حبّ مال غالب است. ﴿مَا فِي الْأَرْضِ... لَا فِتْنَةٌ لَهُ﴾
- ۴- اگر امروز برای پول ناچیزی خلاف می‌کنیم، بدانیم که فردا دو برابر تمام سرمایه‌های زمین هم برای نجات ما کارساز نیست. ﴿وَمِثْلَهُ مَعَهُ﴾
- ۵- داوری خدا همراه با افشای لغزشها برای خود انسان است، تا جایی برای انکار نباشد. ﴿تَحْكُم بَيْنَ عِبَادِكَ... وَبَدَا لَهُمْ﴾
- ۶- محاسبات انسان، معمولاً جامع و واقعی نیست. ﴿بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ (زیرا در قیامت چیزهایی روشن می‌شود که هرگز در محاسبات انسان نبوده است).

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾

و (در آن روز) بدی آن چه (در دنیا) کسب کرده‌اند، برای آنان روشن خواهد شد و آن عذابی که مسخره می‌کردند، آنان را فرا خواهد گرفت.

### پیام‌ها:

- ۱- روز قیامت، روز کشف و ظهور است و تمام اسرار آشکار می‌شود. ﴿بَدَا لَهُمْ﴾
- ۲- ظاهر شدن جرم در برابر مجرم، از نخستین شکنجه‌های روحی اوست. ﴿بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا﴾

- ۳- با قدرت الهی، اوّل آن چه در محاسبات ستمگران نبود کشف می‌شود، ﴿مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ سپس حقیقت آنچه خود بد می‌شمردند، آشکار می‌شود. ﴿بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ﴾
  - ۴- قهر الهی تمام وجود ستمگران را فرا می‌گیرد. ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾
  - ۵- خلاف و انحراف، زمانی قهر شدید الهی را به دنبال دارد که:  
الف. همراه با ظلم باشد. ﴿ظَلَمُوا﴾  
ب. همراه با قصد و توجه و تعمّد باشد. ﴿كَسَبُوا﴾  
ج. مدام و مستمر باشد. ﴿كَانُوا﴾  
د. همراه با مسخره و تحقیر احکام الهی باشد. ﴿يَسْتَهْزِءُونَ﴾
- فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾
- پس چون سختی و ضرری به انسان رسد ما را می‌خواند، سپس همین که از جانب خود نعمتی به او عطا کنیم، گوید: «بر اساس علم و تدبیرم نعمت‌ها به من داده شده»، (چنین نیست) بلکه آن نعمت وسیله‌ی آزمایش است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

### نکته:

□ در قرآن بارها از این مطلب سخن به میان آمده است که انسان هنگام خطر به خداوند رو می‌آورد، ولی همین که از خطر رهایی یافت، خدا را فراموش می‌کند و این نشانه‌ی نهایت ناسپاسی انسان است.

### پیام‌ها:

- ۱- انسان موجودی متأثر و آسیب‌پذیر است. ﴿مَسَّ الْإِنْسَانَ﴾
- ۲- انسان به قدری عاجز و ضعیف است که به مجرد مواجهه با خطر و گرفتاری، فریاد می‌زند. ﴿مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا﴾
- ۳- تلخی‌ها، نتیجه‌ی عملکرد انسان و مایه‌ی آزمایش است،

﴿مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ﴾ ولی نعمت‌ها لطف خداست. ﴿نِعْمَةٌ مِّنَّا﴾  
 ۴- نامالایمات و حوادث، انسان را به ناتوانی خود متوجّه و  
 فطرت خداجوی او را بیدار و شکوفا می‌کنند. ﴿فَإِذَا مَسَّ  
 الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا﴾  
 ۵- نیایش خالصانه، سبب جلب رحمت خداست. ﴿دَعَانَا...  
 حَوِّلْنَاهُ نِعْمَةً﴾  
 ۶- رفاه و آسودگی، بستر غفلت و غرور است. ﴿حَوِّلْنَاهُ نِعْمَةً... إِنَّمَا  
 أَوْتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾  
 ۷- انسان، موجودی ناسپاس است. ﴿حَوِّلْنَاهُ... إِنَّمَا أَوْتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾  
 ۸- آنچه مورد انتقاد است، نادیده گرفتن لطف و عنایت  
 خداست، نه آنکه علم و دانش در رشد و توسعه زندگی  
 بی‌اثر است. ﴿قَالَ إِنَّمَا أَوْتِيْتُهُ﴾ (انتقاد الهی برای این بود که آنان  
 متکبرانه دارایی و نعمت‌هایشان را تنها به سبب علم و تدبیر  
 خود می‌دانستند و اعتقادی به لطف و قدرت خدا نداشتند).  
 ۹- نعمت‌ها و تلخی‌ها وسیله آزمایش هستند، ولی بیشتر مردم  
 نمی‌دانند. ﴿بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِن أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (شاید علّت  
 آن، شناخته شدن سپاسگزار از ناسپاس باشد).

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾  
 به راستی کسانی که قبل از آنان بودند (نیز) این سخن را گفتند،  
 ولی آن چه را (در دنیا) کسب می‌کردند، کاری برایشان نکرد.  
 فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ  
 سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾

پس (نتیجه) اعمال بدی که مرتکب شده بودند، به آنان رسید و  
 کسانی از اینان (کافران مکه) که ستم کردند، به زودی بدی آن چه

را انجام داده‌اند به ایشان خواهد رسید و آنان نمی‌توانند ما  
 را در مانده کنند (و از ما بگریزند).

### نکته‌ها:

□ آیهی ۵۰ به طور کلی می‌فرماید: آنچه مجرمان در دنیا کسب کرده‌اند،  
 در قیامت به کارشان نمی‌آید، ولی در آیات دیگر قرآن، مصادیق آن چه  
 را که کسب کرده‌اند بیان شده است، از جمله:  
 ﴿لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ﴾<sup>(۱)</sup> هرگز اموالشان کارساز نیست.  
 ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ﴾<sup>(۲)</sup> هرگز جمعیتشان کارساز نیست.  
 ﴿لَا يَغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ﴾<sup>(۳)</sup> هرگز تدبیرشان کارساز نیست.  
 □ قارون نیز سرمایه‌ی خود را نتیجه‌ی دانش و تفکر و سیاست اقتصادی  
 خود می‌دانست و می‌گفت: ﴿إِنَّمَا أَوْتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عُنْدِي﴾<sup>(۴)</sup> لذا قرآن در  
 این آیه می‌فرماید: ﴿قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ این سخن تازگی ندارد و  
 پیش از آنان نیز کسانی چنین گفته‌اند.

### پیام‌ها:

۱- از نمونه‌های تاریخی، برای هدایت و تربیت خود و دیگران  
 بهره گیریم. ﴿قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾  
 ۲- تاریخ، بهترین گواه است که به هنگام قهر الهی، مال و ثروت،  
 نه در دنیا انسان را نجات می‌دهد و نه در آخرت. ﴿فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ  
 مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (وقتی قارون به زمین فرو رفت، هیچ گروهی  
 نتوانست او را نجات دهد).<sup>(۵)</sup>  
 ۳- سنت‌های الهی، قانون‌مند است و فرد، زمان و مکان در آن  
 اثری ندارد. نسبت به گذشتگان: ﴿أَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا﴾ و

۱. آل عمران، ۱۰. ۲. اعراف، ۴۸. ۳. طور، ۴۶.  
 ۴. قصص، ۷۸. ۵. قصص، ۸۱.

نسبت به آیندگان: ﴿سِصِيهْم﴾

۴- اسباب نجات در قیامت، اموری غیر از ثروت و قدرت است.

﴿فَمَا اغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۵- سرنوشت انسان در گرو اعمال اوست. ﴿مَا كَسَبُوا﴾

۶- مجرمان نمی توانند خدا را عاجز کرده و قهر و عذاب او را از

خود دور سازند. ﴿مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

آیا (هنوز) ندانسته اند که خداوند رزق و روزی را برای هر که

بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! البتّه در این امر برای کسانی

که ایمان می آورند نشانه هایی (از حکمت و قدرت الهی) است.

**نکته ها:**

□ در آیه ی ۴۹ خواندیم که انسان نعمت های الهی را فقط به علم و

تخصص خود نسبت می دهد. ﴿أَمَّا أَوْتِيَتْهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ این آیه می فرماید:

این نسبت به خاطر ناآگاهی انسان است.

□ در روایات می خوانیم: «گاهی خداوند رزق افراد تیز هوش را تنگ، رزق

افراد کم هوش را زیاد قرار می دهد تا ثابت کند همه ی چیزها با زرنگی به

دست نمی آید!»<sup>(۱)</sup>

**پیام ها:**

۱- گرچه سعی و تلاش و دانش بشری، شرط لازم برای کسب

رزق است، ولی شرط کافی و علّت نهایی نیست. ﴿إِنَّ اللَّهَ﴾

(فقط به امکانات و توانایی ها و اطلاعات خود تکیه نکنیم که

قدرت دیگری در کار است).

۲- از آن جاکه مهر الهی بر قهرش سبقت دارد، گسترش رزق قبل

از تنگی روزی آمده است. ﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ - يَقْدِرُ﴾

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

بگو: «ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف (و ستم) کرده اید!

از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند همه ی گناهان را

می بخشد، زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است.»

**نکته ها:**

□ آیات قبل تهدیدی برای افراد مغرور بود و این آیه به گناهکاران

پشیمان، بشارت می دهد.

□ در تمام کلمات این آیه، لطف و مهر الهی موج می زند:

۱. پیام بشارت را رسول خدا با صراحت اعلام کند. ﴿قُلْ﴾

۲. خداوند انسان مجرم را نیز مخاطب قرار داده است. ﴿يَا﴾

۳. خداوند همه ی انسان ها را بنده ی خود و لایق دریافت رحمتش دانسته

است. ﴿عِبَادِيَ﴾

۴. گناهکاران چرا بر خود ستم می کنند. ﴿عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾

۵. یأس و ناامیدی از رحمت خدا، حرام است. ﴿لَا تَقْنَطُوا﴾

۶. رحمت او محدود نیست. ﴿رَحْمَةُ اللَّهِ﴾ (آری، عبارت «رحمة الله» به

جای «رحمتی» نشانه ی جامعیت رحمت است، چون لفظ «الله»

جامع ترین اسم اوست).

۷. وعده ی رحمت قطعی است. ﴿إِنَّ﴾

۸. بخشش خداوند، پیوسته و دائمی است. ﴿يَغْفِرُ﴾ (فعل مضارع نشانه

دوام و استمرار است)

۱. تفسیر روح البیان.

۹. خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد. ﴿الذنوب﴾ هرگاه جمع همراه با (الف و لام) ذکر شود، شامل همه چیز می‌شود. مثلاً کلمه «مساجد» یعنی چند مسجد، ولی کلمه «المساجد» به معنی تمام مساجد است و در اینجا نیز «ذنوب» جمع «ذنب» به معنی گناهان است، ولی کلمه «الذنوب» به معنی تمام گناهان است.

۱۰. خداوند بر بخشش همه‌ی گناهان تأکید دارد. ﴿جميعاً﴾ زیرا با آنکه کلمه «الذنوب» شامل تمام گناهان می‌شد، باز هم کلمه «جميعاً» برای تأکید آورده شده است.

۱۱. خدا بسیار بخشنده و رحیم است. ﴿أنه هو الغفور الرحيم﴾ خداوند با این همه رأفت و مهربانی اعلام می‌کند که تهدیدهای آیات قبل، از روی انتقام و کینه‌توزی نیست.

▣ در فرهنگ قرآن، اسراف معنای وسیعی دارد که علاوه بر اسراف در مال، شامل اسراف در نفس و جان نیز می‌شود. بدین معنی که انسان در بهره‌گیری از استعدادها و ظرفیت‌های وجودی خود، از حد اعتدال خارج شده و دچار افراط و تفریط گردد.

▣ مراد قرآن از اینکه می‌فرماید: خداوند همه گناهان را می‌بخشد، آن نیست که انسان گناه کند و بگوید خدا می‌آمرزد، بلکه مراد آن است که همه‌ی گناهان هر قدر هم بزرگ باشند، قابل بخشش و آمرزش است و نباید از رحمت الهی مأیوس شد و البته راه دریافت آمرزش الهی، توبه و جبران گناه است که در آیه بعدی آمده است.

### پیام‌ها:

- ۱- قوانین و احکام الهی، عادلانه و معتدل است و نافرمانی مردم، تجاوز از حد اعتدال است. ﴿اسرفوا علی انفسهم﴾
- ۲- در بخشش الهی، نوع گناه و مقدار آن تفاوتی ندارد. ﴿الذنوب

### جميعاً

- ۳- یأس از رحمت الهی حتی از جانب گنهکاران و مجرمان، جایز نیست. ﴿لا تقنطوا﴾
- ۴- امید به مغفرت، زمینه آمرزش است. ﴿لا تقنطوا... ان الله يغفر﴾
- ۵- آمرزش گناهان، از رحمت خداوند سرچشمه می‌گیرد. ﴿رحمة الله ان الله يغفر﴾
- ۶- تنها خداست که همه‌ی لغزش‌ها را می‌بخشد. ﴿أنه هو الغفور﴾ به جای «أنه الغفور»

وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿٥٤﴾

و پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید و دیگریاری نشوید، به سوی پروردگارتان باز گردید (و توبه کنید) و تسلیم او شوید.

### نکته:

▣ آیهی قبل، از رحمت و مغفرت الهی خبر داد تا زمینه را برای بازگشت مردم فراهم کند و این آیه، فرمان توبه و انابه می‌دهد و برای آن که ضرورت توبه و بازگشت را بیان کند، خطر عذاب را گوشزد می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- شرط بهره‌مند شدن از آمرزش الهی، توبه واقعی و تسلیم دستورات الهی بودن است. ﴿يغفر الذنوب جميعاً... انبيوا﴾
- ۲- فرصت‌ها را غنیمت شمیریم که توبه پیش از آمدن عذاب پذیرفته می‌شود. ﴿من قبل ان يأتیکم العذاب﴾ آری، به هنگام برخورد با عذاب، توبه سودی ندارد، چنانکه فرعون در لحظه‌ی غرق شدن توبه کرد، ولی چه سود.
- ۳- جز بازگشت به درگاه خدا، هیچ راهی برای نجات و رسیدن به

نصرت الهی نیست. ﴿ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَ﴾

وَأَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ  
الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾

و از بهترین آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است،  
پیروی کنید، پیش از آن که عذاب، ناگهانی و در حالی که از آن  
بی خبرید به سراغ شما آید.

نکته:

▣ خداوند تمام کارهای خود را به بهترین صورت انجام داده است:

هر چه را آفریده به بهترین وجه آفریده است. ﴿أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ  
خَلَقَهُ﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾<sup>(۲)</sup>، ﴿فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾<sup>(۳)</sup>  
داستان‌های او بهترین است. ﴿أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾<sup>(۴)</sup>  
حکم او بهترین است. ﴿وَمِنْ أَحْسَنِ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾<sup>(۵)</sup>  
از ما نیز خواسته است که

کارهایمان به بهترین و زیباترین شکل باشد. ﴿إِيَّكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾<sup>(۶)</sup>  
از بهترین سخن پیروی کنیم. ﴿فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾<sup>(۷)</sup>  
بهترین سخن را بگوئیم. ﴿يَقُولُوا أَلَلَّيْ هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>(۸)</sup>  
بدی را با بهترین شیوه پاسخ دهیم. ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>(۹)</sup>  
پاسخ احترام مردم را بهتر بدهیم. ﴿فَحِیُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا﴾<sup>(۱۰)</sup>  
با مال یتیم به بهترین شکل برخورد کنیم. ﴿لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي  
هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>(۱۱)</sup>

با مردم با بهترین شیوه جدال و گفتگو کنیم. ﴿جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ  
أَحْسَنُ﴾<sup>(۱)</sup>

پیام‌ها:

۱- از قرآن پیروی کنید، زیرا هم بهترین راه است و هم سخن  
پروردگار شماست. ﴿اتَّبِعُوا أَحْسَنَ... رَبِّكُمْ﴾ آری، راه دیگران نه  
بهترین است و نه دیگران بر ما حقی دارند. نه ما را می‌شناسند،  
نه ما را دوست دارند، نه از گذشته و آینده خبر صحیح دارند و  
نه به جهت ناآگاهی‌ها و غرائز فراوان، نظرشان قابل اطمینان  
است.

۲- انابه و تسلیم به تنهایی کافی نیست، عمل لازم است. ﴿اتَّبِعُوا﴾  
۳- چون عمر و ظرفیت انسان محدود و دستورات کمال بخش  
بسیار است، قهراً باید انتخاب احسن در کار باشد. ﴿أَحْسَنَ مَا  
أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ﴾

۴- قرآن، جامع‌ترین، کامل‌ترین و زیباترین کتاب آسمانی برای  
انسان است. ﴿أَحْسَنَ مَا أَنْزَلَ...﴾

۵- دستورات الهی، وسیله‌ی رشد و تربیت انسان است. ﴿أَنْزَلَ  
إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ﴾

۶- علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد. (توبه، پیش از آمدن  
عذاب) ﴿قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ﴾

۷- گاهی قهر الهی بی‌خبر به سراغ انسان می‌آید. ﴿بَغْتَةً﴾

۸- قهر الهی فوق محاسبات بشری است. ﴿وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتْنِي عَلَىٰ مَا قَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ

كُنْتُ لَمِنَ السَّخَرِينَ ﴿٥٦﴾

۱. نحل، ۱۲۵.

۱. سجده، ۷.	۲. مؤمنون، ۱۴.	۳. تین، ۴.
۴. یوسف، ۳.	۵. مائده، ۵۰.	۶. هود، ۷.
۷. زمر، ۱۸.	۸. اسراء، ۵۳.	۹. فصلت، ۳۴.
۱۰. نساء، ۸۴.	۱۱. اسراء، ۳۴.	

تا مبادا (در قیامت) کسی بگوید: «دریغا بر من بر آن چه در (کاری که) جهت الهی (داشته) کوتاهی کرده‌ام و همانا من از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!»

#### نکته‌ها:

□ «حسرت» به معنای پشیمانی شدید و «تفریط» به معنای کوتاهی کردن و «جنب» به معنای جهت و ناحیه است.

□ در روایات می‌خوانیم: «امامان معصوم علیهم‌السلام ﴿جنب الله﴾ هستند و در پیش از ده حدیث آمده که کوتاهی در مورد جنب الله، حمایت نکردن از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.»<sup>(۱)</sup>

□ امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «شدیدترین حسرت در قیامت برای علمایی است که به علم خود عمل نکردند.»

#### پیام‌ها:

- ۱- قیامت، روز حسرت و تأسّف خوردن است. ﴿یا حسرتی﴾
- ۲- ترک انابه و تسلیم و پیروی از وحی، کوتاهی در انجام وظیفه است. ﴿فَرَّطْتُ﴾ (با توجه به آیات قبل)
- ۳- از آن چه در کنار خدا و در ارتباط با اوست، باید پیروی کرد. ﴿جنب الله﴾ (کتاب خدا، اولیای خدا، پیامبر خدا)
- ۴- تمسخر حقّ در دنیا، تحقیر در قیامت را در پی دارد. ﴿یا حسرتی﴾ - ساخرین
- ۵ - قیامت، روز اقرار و اعتراف است. ﴿فَرَّطْتُ - کنت لمن الساخرین﴾
- ۶- ریشه‌ی کوتاهی‌ها، سبک شمردن دستورات الهی و بدتر از آن مسخره کردن آنهاست. ﴿لمن الساخرین﴾

۱. تفسیر اطیب البیان.

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾  
یا آن که (از شدّت اندوه) بگوید: «اگر خداوند هدایت مرا کرده بود، از پرهیزکاران بودم». یا هنگامی که عذاب را ببیند، بگوید: «ای کاش برای من بازگشتی بود تا از نیکوکاران می‌شدم!»

#### نکته:

□ گرچه در آیه‌ی ۵۷، مجرم می‌گوید: خدا مرا هدایت نکرد که به چنین راهی رفتم، اما در آیه ۵۹ پاسخ می‌شنود که ما تو را هدایت کردیم و اتمام حجت نمودیم، ولی تو خود اهل تکذیب و استکبار بودی.

#### پیام‌ها:

- ۱- مجرم در قیامت، به دنبال تبرئه کردن خود است، لذا انحرافش را به خدا نسبت می‌دهد که او ما را هدایت نکرد. ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي﴾
- ۲- مجرمان نیز روزی خواهند فهمید که رستگاری و نجات به هدایت الهی نیاز دارد. ﴿إِنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۳- نشانه‌ی پذیرش هدایت الهی، تقوا و پارسایی است. ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۴- در قیامت، ارزش تقوی روشن می‌شود. ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۵ - در قیامت، گنهکاران به حال متّقین غبطه می‌خورند. ﴿... لکنت من المتّقین﴾
- ۶- راه پیشگیری از گناه، توجّه دادن به صحنه‌های خطرناک قیامت است. ﴿أَوْ تَقُولَ... أَوْ تَقُولَ﴾
- ۷- تقوا و احسان، دو وسیله‌ی نجات بخش هستند. ﴿لکنت من

الْمُتَّقِينَ... فَاكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۸- آرزوی گنهکاران در قیامت، بازگشت به دنیا برای احسان (به

خود و دیگران) است. ﴿لَوْ أَنَّ لِي كَرْهًا مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾

۹- بازگشت به دنیا محال است. ﴿لَوْ أَنَّ لِي كَرْهًا...﴾ (کلمه «لو» در

موردی بکار می‌رود که انجام آن محال باشد).

بَلَىٰ قَدْ جَاءَكَ ءَايَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِّنَ

الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾

آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آنها را تکذیب کردی و تکبر

ورزیدی و از کافران شدی.

نکته:

□ مجرم در قیامت سخن و اعتراف‌های گوناگونی دارد:

۱. اقرار به کوتاهی. ﴿فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾

۲. اقرار به مسخره کردن. ﴿لَمِنَ السَّاحِرِينَ﴾

۳. آرزوی هدایت. ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي﴾

۴. آرزوی بازگشت به دنیا. ﴿لَوْ أَنَّ لِي كَرْهًا﴾

خداوند اقرارهای او را می‌پذیرد، اما سخن سوم او را در این آیه پاسخ

می‌دهد که ما تو را هدایت کردیم تو خود نپذیرفتی و سخن چهارم او را

در جای دیگر پاسخ می‌دهد که اگر آنان به دنیا برگردند باز هم نافرمانی

و خلاف می‌کنند. ﴿لَوْ رَدُّوا لَعَادُوا لَمَّا نَهَوْا عَنْهُ﴾<sup>(۱)</sup>

پیام‌ها:

۱- خداوند بدون اتمام حجّت، کسی را عذاب نمی‌کند. ﴿بَلَىٰ قَدْ

جَاءَكَ آيَاتِي﴾

۲- تکذیب فوری و بدون تأمل، حاکی از روحیه تکبر و لجاجت

است. ﴿فَكَذَّبْتَ﴾ (حرف «فاء» در مواردی بکار می‌رود که کار

به سرعت و بدون تأمل انجام گیرد).

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند، رو سیاه

می‌بینی، آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟

نکته‌ها:

□ دروغ بستن به خداوند نمونه‌های بسیاری دارد، از جمله:

الف. برای خداوند شریک قرار دادن.

ب. خدا را به چیزی شبیه کردن.

ج. فرشتگان را فرزند خدا دانستن.

د. کار زشت خود را به خداوند نسبت دادن.

ه. ادعای خدایی یا پیامبری کردن.

و. تحریف و بدعت در قوانین الهی.

□ در روایات می‌خوانیم: «اگر شخصی حدیثی را جعل کند و به امامان

معصوم نسبت دهد، در حقیقت به خدا دروغ بسته است، زیرا سخن

اهل بیت علیهم‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سخن پیامبر از خداست.»<sup>(۱)</sup>

پیام‌ها:

۱- کسانی که وجهه‌ی نورانی خداوند را با دروغ تاریک می‌کنند،

کیفرشان آن است که صورت خودشان در قیامت سیاه شود.

﴿كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ﴾

۱. تفسیر برهان.

۱. انعام، ۲۸.



۲- گرچه سیاهی طبیعی عیب نیست، (نظیر سیاهی مو و چشم) اما سیاهی عارضی و اکتسابی، نشانه‌ی حقارت و ذلت است. ﴿وَجُوهَهُمْ مَسْوَدَّةٌ﴾

۳- روسیاهی واقعی و سیاهی دل، در قیامت ظاهر می‌شود. ﴿وَجُوهَهُمْ مَسْوَدَّةٌ﴾

۴- انگیزه‌ی دروغ بستن به خداوند، تکبر است. ﴿كَذَّبُوا عَلَى اللَّهِ... لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾

و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، همراه با کامیابی‌شان نجات می‌دهد، در حالی که هیچ بدی به آنان نرسد و ایشان اندوهگین نشوند.

نکته:

□ در آیه‌ی قبل، سخن از روسیاهی کسانی که به خدا دروغ می‌بندند و دوزخیان بود و در این آیه، سخن از رستگاری متقین است.

پیام‌ها:

۱- تقوا، وسیله‌ی نجات و رستگاری است. ﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ﴾

۲- هیچ گونه بدی و بلای جسمی و بیرونی به متقین نزدیک نمی‌شود. ﴿لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ﴾

۳- متقین هیچ گونه اندوه درونی ندارند. ﴿وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾

خداوند آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان (و حافظ و ناظر) است.

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾

کلیدهای آسمان‌ها و زمین برای اوست و کسانی که به آیات الهی کفر ورزیدند، آنان همان زیان کارانند.

نکته:

□ مشرکان، خالق بودن خدا را قبول داشتند، چنانکه در آیه ۳۸ همین سوره خواندیم، ولی نظارت و حفاظت را به بت‌ها نیز نسبت می‌دادند.

پیام‌ها:

۱- موحد واقعی باید به تمام ابعاد توحید معتقد باشد:

توحید در خالقیت. ﴿خالق کل شیء﴾

توحید در ربوبیت. ﴿علی کل شیء وکیل﴾

توحید در عبادت. (آیه‌ی ۶۴) ﴿أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبِدُ...﴾

۲- همه چیز در آفرینش و بقا، محتاج او هستند. ﴿خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل﴾

۳- خداوند آفریدگار همه چیز است و باز هم می‌تواند خلق کند. ﴿خالق... له مقالید﴾

۴- کفر منکران، به خدا ضرری نمی‌زند، زیرا او مالک آسمان‌ها و زمین است. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا... أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾

بگو: «ای نادانان! آیا مرا فرمان می‌دهید که جز خدا پرستم؟»

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ

عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾

و قطعاً به تو و به کسانی که (از پیامبران) پیش از تو بوده‌اند، وحی

شده است که «اگر شرک ورزی، بدون شک عمل تو تباه

می شود و قطعاً از زیانکاران خواهی شد.»

بَلِ اللَّهِ فَأَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾

بلکه تنها خدا را پرستش کن و از سپاس گزاران باش.

### نکته ها:

□ شرک بعد از توحید، عبادات را محو می کند. در این آیه، شرک و در آیه ی ۲۱۷ سوره ی بقره، ارتداد سبب حبط عمل معزفی شده است. ﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمَتَ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

□ گرچه مخاطب اولیه در این آیات، شخص پیامبر ﷺ است، اما همه ی مردم در این امور با پیامبر شریک بوده و خطاب خداوند به پیامبر از جهت اهمیّت موضوع است.

□ فرمان های خداوند دو نوع است:

۱. دستور مولوی که خداوند به عنوان مولا و صاحب اختیار صادر می کند و عقل را به اسرار آن راهی نیست، نظیر فرمان طواف در مکه. ﴿وَلِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾<sup>(۱)</sup>

۲. دستور ارشادی که عقل نیز راز و رمز آن را درک می کند و حکم خداوند، ارشاد به حکم عقل است، نظیر جمله ﴿كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ زیرا تشکر در برابر ولی نعمت، حکم عقلی است.

### بندگی خالصانه ی برخاسته از تفکر

اولین وظیفه ی ما بعد از شناخت خدا، رابطه ی خالصانه با اوست. باید به خاطر نعمت هایی که به ما داده، او را بشناسیم و خالصانه بندگی اش

کنیم. اگر کسی یک دوربین عکاسی به ما هدیه بدهد، تا آخر عمر او را دوست می داریم و او را فراموش نمی کنیم. خداوند دو دوربین به ما داده است. دو چشم زیبا که یک عمر از دور و نزدیک و از زاویه های مختلف عکس می گیرد و ما می توانیم شگفتی ها و زیبایی های جهان بزرگ را ببینیم. دوربینی سبک، کوچک، ظریف، زیبا و... .

خداوند این دو دوربین را در جایی قرار داده تا به بهترین شکل ممکن از آن محافظت شود، علاوه بر آن، پلک، مژه، ابرو و... را برای محافظت از آن قرار داده است. این دوربین ها با همه کوچکی، رابطه انسان را با جهان اطرافش برقرار می کند.

این دوربین ها بین ما و دانشمندان، از راه مطالعه کتاب های آنان، رابطه برقرار می کند. جان ما را از بسیاری از خطرها حفظ می کند. از راه مطالعه به دانش ما می افزاید و با آنها همه چیز را می شناسیم. روزانه هزاران عکس می گیرد؛ ولی خسته نمی شود.

اگر در هر نعمتی از نعمت های خدای بزرگ کمی فکر کنیم، علاقه ی ما به او زیاد می شود. این علاقه، اولین رابطه ی ما با خداست. رابطه ی دیگر، شکر است. اگر هدیه یک دوربین تشکر می خواهد، هدیه ی چشم های زیبا، تشکری چند برابر می خواهد.

### شکر خدا در چیست؟

تشکر از خداوند، گاهی با زبان و گفتار است و گاهی با عمل؛ مثلاً شکر عملی از نعمت چشم، آن است که در بهداشت آن کوشا باشیم و آب آلوده به آن ننزیم و در فضایی که نور کافی نیست به چشمان آسیب نزنیم. با چشم خود گناه نکنیم و کسی را نترسانیم.

نگاه مهرآمیز به پدر و مادر و نگاه به قرآن و کعبه و عالمان و رهبران دینی عبادت است.

۱. حج، ۲۹.

قرآن می‌فرماید: ﴿فليعبدوا ربَّ هذا البيت الَّذي أطمعهم من جوع و آمنهم من خوف﴾<sup>(۱)</sup> به شکرانه این‌که خداوند مردم را از ناامنی و گرسنگی نجات داد، خدای کعبه را عبادت کنند. در سوره‌ی زمر، بارها انسان به بندگی خالصانه سفارش شده است.

نماز، بالاترین تشکر عملی است که در همه‌ی ادیان آسمانی بوده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «در دینی که نماز نباشد، خیری نیست.» به راستی اگر نماز نباشد، خوبی‌های دیگر بی‌اثر است، همان‌گونه که اگر نخ نباشد، سوزن نمی‌دوزد.

بیاییم هر روز چند دقیقه با خدای خود سخن بگوییم و با او راز و نیاز کنیم. راستی چرا با همه سخن می‌گوییم؛ ولی با او حال حرف زدن نداریم؟ اگر ما خدا را دوست داریم، نماز بخوانیم که هر کس، کسی را دوست داشه باشد، می‌خواهد با او گفتگو کند.

برای اینکه همه‌ی انسان‌ها بتوانند به طور یکنواخت با خدای بزرگ حرف بزنند، خداوند ما را راهنمایی کرده که همه به یک سو، رو به قبله و با یک زبان به نماز بایستیم، با بدن و لباس پاک، قلب روشن و نیت خالص با او حرف بزنند. این نماز زمانی به ما رشد بیشتر می‌دهد، که در مکان مقدسی مثل مسجد و در اول وقت و به جماعت برگزار شود، آنهم همراه با رسیدگی به بینوایان و نیازمندان.

کسی که نماز می‌خواند، گویا دستش را در دست خدا گذاشته و کسی که دستش را در دست قدرت خدا بگذارد، بر هر مشکلی پیروز است.

قرآن می‌فرماید: ﴿و استعينوا بالصبر و الصلاة﴾<sup>(۲)</sup> از صبر و نماز یاری بجوئید. هر گاه مشکلی برای رسول خدا و یا امامان پیش می‌آمد، آنان به نماز پناه می‌بردند و از نماز و یاد خدا کمک می‌گرفتند. نماز به قدری مهم

است که امام حسین ظهر عاشورا در حالی که دشمن تیراندازی می‌کرد، نماز را اول وقت و به جماعت اقامه کرد.

### پیام‌ها:

۱- جهل و نادانی، سرچشمه‌ی انحرافات است. ﴿افغير الله... اعبد ايها الجاهلون﴾

۲- هرگز در برابر خواسته‌های نابخردان تسلیم نشویم. ﴿تأمروني... ايها الجاهلون﴾

۳- عبادت باید بر اساس معرفت خدا باشد. ﴿افغير الله اعبد... ايها الجاهلون﴾

۴- نابخردان، در صدد به انحراف کشاندن دیگران، حتی انبیا هستند. ﴿تأمروني... ايها الجاهلون﴾

۵- پیامبر اسلام، آخرین پیامبر آسمانی است. ﴿الَّذين من قبلك﴾ (در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ هرگز «من بعدك» نیامده است).

۶- عصمت انبیا، مانع امر و نهی و تشویق و تهدید الهی در مورد آنان نیست. ﴿لئن اشرکت﴾

۷- شرک، از هیچ کس حتی پیامبر قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست. ﴿لئن اشرکت﴾

۸- خطر شرک بسیار جدی است. (سه بار حرف لام مفتوحه تأکید، تکرار شده است). ﴿لئن - ليحبطن - لتكونن﴾

۹- یکتا پرستی، راه نجات از خسارت است. ﴿لتكونن من الخاسرين بل الله فاعبد﴾

۱۰- بهترین راه تشکر از خداوند، عبادت است. ﴿فاعبد و كن من الشاكرين﴾

۱. قریش، ۳ و ۴. ۲. بقره، ۴۵.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

و خدا را آن گونه که حق اوست، قدردانی نکردند (و او را نشناختند)، در حالی که روز قیامت زمین یکسره در قبضه‌ی قدرت اوست و آسمان‌ها به دست قدرت او در هم پیچیده‌اند. او منزّه است و از آن چه شریک او قرار می‌دهند، برتر است.

### نکته:

□ امام صادق (ع) فرمود: «مراد از «یَمِين»، دست قدرت خداست.»<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

۱- توحید، نشانه‌ی شناخت درست و قدرشناسی است و شرک، برخاسته از عدم شناخت و قدرناشناسی است. «و ما قدروا الله حق قدره»

۲- آسمان و زمین در برابر قدرت الهی ناچیزند. «قبضته - مطوَّيات بيمينه»

۳- برای شناخت بهتر خداوند، باید به قدرت و احاطه‌ی مطلقه‌ی او توجه کنیم. «و ما قدروا الله حق قدره و الارض جميعاً... و السموات...»

۴- به سراغ دیگران نرویم که همه چیز تنها به دست خداست. «و الارض... و السموات مطوَّيات... سبحانه و تعالى عما يشركون»

و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصُعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾

۱. توحید صدوق، ص ۱۶۱.

و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، بی‌هوش شده (و می‌میرد)، مگر آن که را خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده شود، پس ناگاه آنان (زنده شده)، به پا خیزند و (به اطراف) نظر می‌کنند.

### نکته‌ها:

□ طبق صریح این آیه، پایان عمر دنیا و آغاز رستاخیز، از طریق نفخه است. این نفخه گاهی به صورت دمیده شدن در صور و شیپور: «نُفِخَ فِي الصُّورِ»<sup>(۱)</sup> و گاهی با تعبیر «القارعة»<sup>(۲)</sup> به معنای کوبنده و گاهی با تعبیر «الصّاخة»<sup>(۳)</sup> به معنای صدای هول‌انگیز و گاهی با تعبیر «صيحة»<sup>(۴)</sup> آمده است.

□ به هم ریختن نظام هستی و نابودی طبیعت از طریق ایجاد صدای وحشتناک، در زمان دفاع مقدّس و برای کسانی که در جبهه صدای موج انفجار یا شکسته‌شدن دیوار صوتی را شنیده‌اند، باور کردنی است.

□ در روایات، مسؤل دمیدن در صور، فرشته‌ای به نام اسرافیل است.<sup>(۵)</sup>

□ تمام انسان‌ها به هنگام نفخه‌ی صور می‌میرند، پس مراد از استثنا در جمله‌ی «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» بیان قدرت الهی است، یعنی دست خداوند بسته نیست و در آن زمان که همه می‌میرند اگر خدا بخواهد، افرادی را زنده نگاه می‌دارد. چنانکه در بعضی روایات نام جبرئیل و اسرافیل و میکائیل یا شهدا به عنوان کسانی که زنده می‌مانند، آمده است.<sup>(۶)</sup>

### پیام‌ها:

۱- وقوع قیامت را قطعی بدانید. (با آنکه قیامت در آینده واقع

۱. مدثر، ۸. ۲. قارعه، ۱. ۳. عبس، ۲۳.

۴. یس، ۵۳. ۵. تفسیر نورالثقلین.

۶. تفاسیر المیزان، نورالثقلین و درالمنثور.

می‌شود، اما افعال مربوط به آن، به صورت ماضی به کار رفته که نشانه‌ی حتمی بودن آن است. ﴿نَفَخَ - صَعَقَ﴾  
 ۲- رستاخیز، تنها مربوط به انسان‌ها و ساکنان زمین نیست. ﴿مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ﴾  
 ۳- میان نفخه‌ی اول و دوم قیامت، زمانی طولانی است. ﴿نَفَخَ... ثُمَّ نَفَخَ﴾ (کلمه «ثم» نشانه‌ی فاصله‌ی زیاد است).  
 ۴- رستاخیز، ناگهانی و دفعی و غیرمنتظره است. ﴿فَإِذَا...﴾  
 وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾  
 و (در آن روز) زمین به نور پروردگارش روشن گردد و نامه‌ی اعمال را در میان نهند و پیامبران و شاهدان را حاضر سازند و میان آنان به حق داوری شود، در حالی که بر آنان ستم نمی‌رود.

#### نکته‌ها:

☐ مراد از «نور ربّ»، یا نور حق و عدالت است که خداوند در آن روز زمین را با آن نورانی می‌کند، یا مراد نوری است غیر از نور خورشید و ماه که خداوند در آن روز می‌آفریند. البته مرحوم علامه‌ی طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: مراد از «نور ربّ» کشف اسرار و حقایق در قیامت است، سپس برای تأیید نظر خود آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی ق را گواه می‌گیرد: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ﴾  
 در تفسیر اطیب البیان می‌خوانیم: چون در قیامت نور خورشید و ماه گرفته می‌شود، مراد از «نور ربّ» نوری است که از مؤمنان بر می‌خیزد. سپس این آیه را به عنوان شاهد ذکر می‌کند: «یوم تری المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین یدیهم»<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- ارائه نامه‌ی اعمال و احضار انبیا و گواهان و داوری به حق در قیامت، از امور قطعی است. (کلمات «قُضِيَ»، «وُضِعَ» و «جِئَ» در قالب فعل ماضی مجهول آمده است که نشانه آن است که کار حتمی شده است).  
 ۲- در قیامت گواهان متعدّدی هستند. (انبیا، امامان، فرشتگان، اعضای بدن، زمین، زمان و...). ﴿الْكِتَابُ - النَّبِيُّونَ - الشُّهَدَاءُ﴾  
 ۳- تمام رفتار و کردار انسان در دنیا، تحت نظارت گروهی شاهد و گواه قرار دارد، زیرا شرط گواهی دادن در قیامت، حضور و نظارت بر اعمال در دنیا است. ﴿وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ﴾  
 ۴- گرچه در قیامت انبیا نیز مورد سؤال قرار می‌گیرند، «و لنسئلن المرسلین»<sup>(۱)</sup> ولی احضار انبیا در این آیه، به دلیل آنکه در کنار کتاب و شهدا قرار گرفته، برای گواهی بر اعمال امت خودشان است. ﴿وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ﴾  
 ۵- قضاوت و داوری خداوند، بر پایه مستندات پرونده اعمال و گواهی پیامبران و شاهدان است. ﴿وَضَعِ الْكِتَابَ وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ﴾

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾

و به هر کس (نتیجه‌ی) آن چه انجام داده به تمامی داده شود و خداوند به آن چه انجام می‌دهند، آگاه‌تر است.

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ

عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُوكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ  
وَلَسٰكُنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

و کسانی که کافر شدند، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون به نزدیک آن رسند، درهای دوزخ گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: «آیا از میان شما پیامبرانی به سراغ شما نیامدند تا آیات پروردگارتان را بر شما تلاوت کنند و شما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، (آنان آمدند، ولی ما گوش ندادیم). لکن فرمان عذاب بر کافران قطعی است.

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى  
الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

به آنان گفته شود: «از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آن خواهید بود، پس چه بد است منزلگاه متکبران».

#### نکته‌ها:

□ «سِيق» از «سوق» به معنای راندن به جلو است و به بازار «سوق» می‌گویند به جهت اینکه جاذبه‌های بازار، انسان را به آنجا می‌کشاند و سوق می‌دهد.

□ کلمه‌ی «زُمر» به معنای جماعت و گروه است و نام‌گذاری این سوره، بر اساس آیه ٧١ و آیه ٧٣ بوده است.<sup>(۱)</sup>

□ فرشتگان، دوزخیان را به سوی دوزخ می‌کشاند. ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- در کیفر و پاداش الهی، کم و کاستی نیست. ﴿وَقِيَّتٌ﴾ به معنای

وفای کامل است)

۲- در قیامت احدی از کیفر و پاداش مستثنی نیست. ﴿كُلُّ نَفْسٍ﴾

۳- خداوند اعمال و رفتار هر کس را بهتر از خودش می‌داند. ﴿اعلم بما يفعلون﴾ احضار شاهد و گواه برای برقراری نظام دادگاه است، نه تحصیل علم برای خداوند.

۴- کشاندن مجرمان به سوی دوزخ، تحقیری است جدای از کیفرهای دیگر. ﴿سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾

۵- درهای دوزخ بسته است و همین که دوزخیان به آن می‌رسند ناگهان باز می‌شود که این خود وحشت‌آورتر است. ﴿جَاؤُوهَا فَتَحْتِ ابْوَابَهَا﴾

۶- دوزخ درهای متعددی دارد. ﴿ابوابها﴾ (در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿هنا سبعة ابواب﴾<sup>(۱)</sup> جهنم دارای هفت در است).

۷- در قیامت، فرشتگان با دوزخیان گفتگوی مستقیم دارند. ﴿قال لهم خزنتها﴾ (مأموران دوزخ با دوزخیان گفتگو دارند).

۸- دوزخ، مأموران مخصوص دارد. ﴿خزنتها﴾

۹- با تمام مجرمان، اتمام حجت شده است. ﴿يأتكم رسل یتلون علیکم آیات ربکم﴾

۱۰- انبیا علاوه بر بیان آیات الهی، مردم را هشدار می‌دادند. ﴿یتلون... ینذرونکم﴾

۱۱- قیامت، روز اعتراف و اقرار است. ﴿قالوا بلی﴾

۱۲- دلیل محقق شدن عذاب، کفر مردم است. ﴿حَقَّتْ... علی الکافرین﴾

۱۳- ریشه‌ی کفر، تکبر است. ﴿الکافرین... المتکبرین﴾

و سَيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَ  
فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ  
فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، گروه گروه به سوی  
بهشت سوق داده شوند تا چون به نزد آن رسند، در حالی که  
درهای بهشت گشوده شده است و نگهبانان بهشت به آنان گویند:  
«سلام بر شما که پاک و پسندیده بودید، پس داخل شوید در حالی  
که در آن جاودانه خواهید بود».

#### نکته‌ها:

□ در آیه ی ۷۱ خواندیم: همین که دوزخیان به دوزخ می‌رسند درها باز  
می‌شود، «جاؤها فتحت» ولی در این آیه می‌فرماید: «و فتحت» یعنی  
بهشتیان به بهشت می‌رسند در حالی که قبلاً درهای بهشت برایشان باز  
شده است.

□ در کتاب خصال شیخ صدوق از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:  
«بهشت هشت در دارد و هر دری مخصوص گروهی است؛ یک در برای  
انبیا و صدِّقان، یکی برای شهدا و صالحان و پنج در برای شیعیان من و  
یک در برای مسلمانانی که کینه‌ای از من ندارند.»<sup>(۱)</sup>

□ سؤال: با آنکه عمر انسان و اعمال نیک و بد او در دنیا محدود است،  
چرا کیفر و پاداش قیامت نامحدود است که قرآن می‌فرماید: دوزخیان و  
بهشتیان جاودانه در آتش یا بهشت خواهند بود.

پاسخ: اولاً جاودانگی در بهشت، از باب لطف خداوند است و منافاتی با  
عدل ندارد.

ثانیاً جاودانگی در دوزخ برای همه دوزخیان نیست، بلکه بسیاری از

مجرمان پس از کیفر و پاک شدن از گناه، وارد بهشت می‌شوند.

ثالثاً مدت کیفر بستگی به میزان سبکی یا سنگینی جرم دارد، نه زمان  
انجام جرم. چه بسا کسی که در یک لحظه اقدام به قتل کسی کرده و  
حتی موقوف نشده، اما دادگاه برای او حبس ابد مقرر می‌کند. آیا مجازات  
کبریت زدن به یک بشکه بنزین با یک نفت کش و پمپ بنزین یکسان  
است؟ آری، آن که تمام عمر نافرمانی خالق هستی و خدای بزرگ را  
کرده است، برای همیشه در عذاب خواهد بود.

#### پیام‌ها:

۱- راه ورود به بهشت، پاکی و پارسایی است. «سَيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا  
رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ»

۲- بهشت، درهای متعددی دارد. «ابوابها»

۳- «سلام علیکم» درود فرشتگان به بهشتیان است که در دنیا نیز  
این گونه سلام سفارش شده است.

۴- شرط ورود به بهشت، طهارت و پاکی است که یا از اول بوده و  
یا در اثر توبه پیدا شده است. «طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا»

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ  
مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

و (بهشتیان) گویند: «سپاس خداوندی را که به وعده‌ای که به ما  
داد وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد. تا از بهشت هر جای را  
که بخواهیم برمی‌گزینیم.» پس چه نیکوست پاداش اهل عمل.

#### نکته:

□ مراد از «أرض» در این آیه، سرزمین بهشت است.

۱. تفسیر المیزان.

## پیام‌ها:

- ۱- گفتن «الحمد لله» پس از دریافت نعمت، شیوه‌ی بهشتیان است. ﴿قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾
- ۲- حقّ انتخاب مسکن، یکی از نعمت‌ها و امتیازات بهشتی است. ﴿تَبَوُّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ﴾
- ۳- هر کس می‌تواند با عمل نیک، پاداش‌های الهی را دریافت کند. ﴿أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾
- ۴- بهشت را به بها دهند، نه بهانه. ﴿أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ  
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

و فرشتگان را می‌بینی که گرد عرش حلقه زده‌اند، در حالی که همراه با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و میان آنان به حقّ داوری گردد و گفته می‌شود: «سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است.»

## نکته:

□ «حافّین» از «حفّ» به معنای احاطه است و «عرش» پایگاه قدرت و اراده‌ی الهی است.

## پیام‌ها:

- ۱- فرشتگان، برای اولیای خدا قایل رؤیت هستند. ﴿تَرَى الْمَلَائِكَةَ﴾
- ۲- عرش، جایگاه فرشتگان است. ﴿حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ﴾
- ۳- فرشتگان، برای اجرای فرامین الهی همواره آماده‌اند. ﴿حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ﴾
- ۴- فرشتگان، پیوسته به تسبیح و ستایش الهی مشغولند.

## ﴿يُسَبِّحُونَ﴾

- ۵- حمد و تسبیح، با هم مقرونند. ﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾
  - ۶- فرشتگان، همانند انسان‌ها، تحت تربیت خداوند هستند.
- ﴿رَبِّهِمْ﴾
- ۷- داوری خدا در قیامت، بر اساس حقّ و عدل است. ﴿قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ﴾ (در دنیا بر اساس حقّ عمل کنیم چون با حقّ سنجیده خواهیم شد). ﴿قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ﴾
  - ۸- حمد و ستایش سزاوار کسی است که تمام هستی را تربیت و رشد می‌دهد. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»